



حفاظت در مقابل خشونت بر علیه زنان در آلمان

نسخه اصلاح شده



دفترچه راهنما برای زنان پناه جو و مهاجر و نوجوانان

پشتیبانی مالی از طرف:



Die Beauftragte der Bundesregierung
für Migration, Flüchtlinge und
Integration

**Ethno-
Medizinisches
Zentrum e.V.**



Impressum

Gewaltschutz für Frauen in Deutschland –
Ratgeber für geflüchtete Frauen, Migrantinnen und Jugendliche

Herausgeber:

Ethno-Medizinisches Zentrum e.V.
Königstraße 6, 30175 Hannover

Konzeption, Inhalt, Erstellung:

Duale Hochschule Baden-Württemberg Villingen-Schwenningen (DHBW)
– Institut für Transkulturelle Gesundheitsforschung

Ethno-Medizinisches Zentrum e.V. (EMZ e.V.)
– MiMi Integrationslabor Berlin (MiMi Lab)

Förderung: Beauftragte der Bundesregierung für Migration, Flüchtlinge und Integration

Projektleitung: Ramazan Salman (EMZ e.V.), Prof. Dr. Dr. Jan Ilhan Kizilhan (DHBW)

Redaktion: Jasmin Bergmann, Dagmar Freudenberg, Sarah Hoffmann, Olga Kedenburg, Ahmet Kimil, Prof. Dr. Dr. Jan Ilhan Kizilhan, Claudia Klett, Gabriele Martens, Ass. iur. Isabell Plich, Anne Rosenberg, Andreas Sauter, Ramazan Salman, Prof. Dr. Karin E. Sauer, Prof. Dr. Anja Teubert, Susanne Winkelmann, Lutz Winkelmann RA

Layout und Satz: eindruck.net

Übersetzung: Dolmetscherdienst – Ethno-Medizinisches Zentrum e.V.

Bildquellen: Umschlagbild und Bild auf Seite 16 © Tom Platzer „Styling time4africa“
Ministerin Widmann-Mauz: Bundesregierung/Kugler · Seite 2: © iStock, imagesbybarbara
Seite 5, 22, 25, 29: © Fotolia · Seite 11: © iStock, m-imagephotography

Alle Rechte vorbehalten. Das Werk ist urheberrechtlich geschützt. Jede Verwendung in anderen als den gesetzlich zugelassenen Fällen bedarf deshalb der vorherigen schriftlichen Genehmigung durch den Herausgeber.

Diese Publikation können Sie jederzeit über die Webseiten „www.mimi-gegen-gewalt.de“ oder „www.mimi-bestellportal.de“ in folgenden Sprachen anfordern: Deutsch, Albanisch, Arabisch, Bulgarisch, Dari, Englisch, Farsi, Französisch, Kurdisch, Paschto, Polnisch, Rumänisch, Russisch, Serbisch/Kroatisch/Bosnisch, Spanisch, Italienisch, Türkisch und Vietnamesisch

3. Auflage · Stand: November 2018

مخاطبین عزیز،



از سال ۲۰۱۶ پروژه سراسری جلوگیری از خشونت – می می همراه با مهاجران برای مهاجران („MiMi-Gewaltprävention mit Migrantinnen für Migrantinnen“) در حال اجرا است. هدف ما از این پروژه تقویت زنان و مردان پناهنده و ادا کردن سهمی در قبال افرادی است که مورد خشونت های جنسی قرار گرفته یا به آن تهدید شده اند، تا بدین وسیله در مورد حقوق شان و امکانات محافظت آگاهی یابند.

نگاهی به آمار گویای این نیاز است: تعداد تقاضانامه های نخستین برای دریافت پناهندگی در سه سال گذشته بالغ بر ۱.۳۶ میلیون بوده است، که از این تعداد ۴۶۳۰۰۰ تقاضانامه، یا به عبارتی ۳۴٪، از طرف بانوان تحویل مراجع مربوطه شده اند. اینگونه نیست که همه افراد نیاز به پشتیبانی در پیشگیری از خشونت داشته باشند. با این وجود، بسیاری از زنان در کشورهای مبدا و یا در راه گریز شاهد خشونت بوده و یا خود آنها از نزدیک تجربه کرده اند.

صحبت کردن در مورد خشونت جنسی برای بسیاری از افراد سخت است. از طرفی، زنان معمولاً در اطراف اقامتگاه های پذیرش مهاجران مستقر بوده و کمتر از مردان این مراکز را ترک می کنند. از همین رو این پروژه بر پایه (نتایج) چهارچوب زنان میانجی گر مرکز قومی پزشکی که با موفقیت زیادی همراه بوده است، بنا شده است: زنان میانجی گر بواسطه تجربه خود می دانند که ورود به یک محیط جدید و هنوز کاملاً غریبه می تواند با چه چالش هایی همراه باشد. این مسئله، به خصوص هنگامی صدق می کند که تجربه ضربات روحی به موارد دیگر اضافه شود.

زنان میانجی گر مستقیماً به اقامتگاه های پذیرشی و جمعی و به محیط خانوادگی مراجعه می کنند. آنها در این امکان اطلاعاتی را در مورد حقوق بشر، حقوق محافظت از کودکان و حقوق زنان، به دختران جوان و زنان انتقال داده و به آنها می آموزند، که چگونه می توانند از خود در برابر تعرض ها محافظت کنند. در این راستا، این میانجی گران فرهنگ، زبان و جنسیت افراد را به شکلی ویژه مد نظر قرار می دهند.

خوشحالم، که این پروژه هم اکنون از سال ۲۰۱۸ به صورت هرچه قویتر بر روی خدمات پیشگیری ویژه مردان تمرکز کرده و آنان را به عنوان میانجی گر آموزش می دهد. زیرا زندگی اجتماعی محترمانه و عاری از خشونت تنها هنگامی میسر می شود که زنان و مردان به شکل یکسان مد نظر قرار گیرند.

امیدوارم، که بتوانیم شما مخاطبان عزیز را به واسطه این امداد در راستای فعالیت مهم تان در حمایت از پناهجویان یاری رسانیم.

Annette Widmann-Mauz

Annette Widmann-Mauz

وزیر کشور مستقر در کنار صدراعظم و کارگزار دولت سراسری در امور مهاجرت، پناهجویان و ادغام اجتماعی



۱. مهاجرت، فرار و خشونت 4

فرار بدلیل خشونت | خشونت در هنگام فرار
خشونت در اقامتگاه‌های پناهجویان | خشونت پس از فرار

۲. انواع خشونت 8

خشونت مستقیم | خشونت ساختاری | خشونت سازمانی

۳. خشونت بر علیه زنان و کودکان 12

متخلفین چه کسانی هستند؟ | دلایل خشونت علیه زنان و کودکان
نمونه‌هایی از خشونت علیه زنان و کودکان | عواقب خشونت علیه زنان و کودکان

۴. راههای خروج از خشونت 26

حقوق حفاظتی برای قربانیان خشونت | با هم بدون خشونت

واژه نامه 32

نشانی‌های برگزیده 37

۱. مهاجرت، فرار و خشونت

فرار بدلیل خشونت

برای حفظ سلطه مردان بر زنان، همچنان خشونت خانگی و جنسی اعمال می‌شود. برای نمونه:

– قطع اندام تناسلی زن (ختنه) که هنوز هم با وجود ممنوعیت رسمی، انجام می‌شود.

– تقسیم نابرابر قدرت در روابط بین زنان و مردان، از جمله روابط واپستگی^۱، که به موجب آنها زنان «کالا» و اعمال جنسی «وجه پرداختی» محسوب می‌شوند. نتیجه این موارد، غالباً ازدواج اجباری، روسپیگری اجباری و تن فروشی بعلت فقر و نیز قاچاق انسان می‌باشد.

– سوء استفاده از زنان و کودکان توسط مأمورین دولتی (پلیس، ارتش و یا سایر کارکنان دولت) در کشور مبدأ، برای نمونه در بازداشت یا در حین بازجویی؛

– خشونت جنسی به دلایل سیاسی، که هدف آن سرکوب یا ریشه کنی دسته‌های مشخصی از مردم جامعه با استفاده از تجاوزهای متعدد و دسته جمعی می‌باشد، که آن را «پاکسازی قومی» می‌نامند؛ از خشونت جنسی در اینجا به عنوان یک سلاح جنگی و به منظور تحقیر و یا از هم گسستن گروه‌های اجتماعی استفاده می‌شود. زنان در اردوگاه‌های تجاوز (rape camps) بعنوان اسیر نگهداری می‌شوند.

– اهمال نسبت به کودکان و یا در موارد بسیار شدید، کشتار کودکانی که در اثر تجاوز جنسی در حین جنگ به دنیا آمده‌اند. کودکانی که

یکی از دلایل فرار زنان خشونت است، زیرا هنوز هم زنان در سراسر جهان حقوقی برابر با مردان ندارند. تا سال ۲۰۱۴ تعداد ۱۴۳ کشور، برابری جنسیتی را در قانون اساسی خود تصویب نموده‌اند. با این وجود، نگرش‌های فرهنگی و مذهبی در سراسر جهان، برای زنان ارزشی کمتر از مردان قائل می‌شوند.

وضعیت حقوقی:

در سال ۱۹۴۹ کمیسیون حقوق زنان (CSW) بنا نهاده شد، تا وضعیت حقوقی زنان را در ابعاد سیاسی، اقتصادی و اجتماعی بهبود بخشد. در سال ۱۹۷۹ توافقنامه‌ای برای جلوگیری از هرگونه تبعیض بر علیه زنان (کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان - CEDAW) پایه‌گذاری شد. این توافق نامه در سال ۲۰۱۵ توسط ۱۸۹ کشور، از جمله آلمان، امضاء و تصویب شد. خشونت مبتنی بر جنسیت (مانند خشونت خانگی و جنسی) پیگرد قانونی دارد. می‌توان در دادگاه با آن مقابله کرد.

* واژه‌های موجود در واژه نامه، در متن بصورت مورب نگاشته شده‌اند.

خشونت در حین فرار

در طول فرار، زنان به شکلی ویژه در معرض خطر خشونت قرار دارند. دزدان دریایی، راهزنان، نیروهای امنیتی، قاچاقچیان و یا حتی دیگر فراریان (پناهجویان)، ممکن است آنان را مورد آزار و اذیت جنسی قرار دهند و یا به زور به آنان تجاوز کنند. مأمورین گارد مرزی، زنان و کودکان را نگاه میدارند و برای مدت طولانی به آنها تجاوز می‌کنند. دزدان دریایی، زنان را اسیر کرده و آنان را به برقراری رابطه جنسی مجبور می‌کنند و تنها پس از آن به آنها اجازه می‌دهند که به سفرشان ادامه دهند. قاچاقچیان برای عبور دادن زنان و کودکان از مرزها، از آنان رابطه جنسی و یا پول/ اشیاء با ارزش طلب می‌کنند.

زنده مانده اند، در جوامع مادری شان تقریباً هیچگونه امنیتی ندارند و قانون از آنان حفاظت نمی‌کند. آنان بمانند کودکانی که پدر و مادر خود را در جنگ از دست داده اند (یتیم جنگی)، باید گاهی اوقات برای ارتش کار کنند و یا به اصطلاح بعنوان کودکان سرباز بجنگند.

علاوه بر دلایلی مانند خشونت علیه زنان و کودکان، دلایل دیگری مانند جنگ و بیرون راندن (تبعید) نیز برای فرار وجود دارند. با این وجود، حتی خود فرار هم می‌تواند برای زنان و کودکان خطرناک باشد. آنها اغلب در راه فرار نیز در معرض خشونت قرار دارند.



خشونت در اقامتگاه‌های پناه‌جویان

گزارش‌ها حاکی از افزایش آمار تخلیفات مربوط به خشونت علیه زنان در اقامتگاه‌های پناه‌جویان در آلمان می‌باشند. بیش از دو سوم پناه‌جویان را مردانی تشکیل می‌دهند که سن بیشتر آنها زیر ۳۰ سال است. جای مواردی چون آتاق‌های حفاظت از زنان و یا مراکز ویژه زنان خالی است.

حقوق اقامت و پناهندگی، مقابله با خشونت علیه زنان پناه‌جو را دشوار می‌سازد. البته، ادارات امور خارجی‌ها می‌توانند از زنان محافظت کنند. مثلاً، می‌توانند در صورت بروز خشونت، در مورد قانون الزام به محدوده اقامت استثناء قائل شده و آپارتمان‌ها و یا اقامتگاه‌هایی در شهرها و یا مناطق دیگر در اختیار افراد قرار دهند. برای نمونه، امکانات زیر برای حفاظت از حقوق افراد در اقامتگاه‌ها وجود دارد:

- اخراج فوری متخلفین خشونت از اقامتگاه توسط پلیس
- اقدامات بلند مدت براساس قانون حفاظت در برابر خشونت (GSG)
- منع متخلف از ورود به محل

ممکن است دلایلی برای رفتارهای خشونت آمیز وجود داشته باشد، ولی این دلایل به هیچ وجه عذر موجهی برای اعمال خشونت نسبت به زنان و کودکان نیستند.

کسانی که بیش از همه در راه فرار در معرض خطر خشونت جنسی و خشونت‌های دیگر هستند عبارتند از:

- زنانی که به تنهایی، با و یا بدون کودکان، سفر می‌کنند
- زنان باردار و یا شیرده
- دختران جوان و کودکانی که بدون سرپرست سفر می‌کنند
- کودکانی که زود ازدواج کرده‌اند - بعضاً همراه با نوزادهایشان
- معلولین و سالمندان
- اشخاصی، که ناتوان از بوقراری ارتباط هستند.

افرادی که در حال فرار هستند اغلب برای یک دوره طولانی در اردوگاه‌ها بسر می‌برند. این مکان‌ها معمولاً تنها سرپناهی هستند که در طول سفر وجود دارد. خطر مورد خشونت قرار گرفتن، در این مکان‌ها بسیار زیاد است. در چنین اردوگاه‌هایی، فراریان به سازمان‌های خاصی وابسته‌اند. این سازمان‌ها می‌بایست از ساکنین مراقبت کرده و آسایش آنان را تأمین کنند. از اینرو افراد اختیار زندگی خود را از دست می‌دهند. این موضوع می‌تواند، مثلاً در مردان پناه‌جو به بروز بحران‌هایی بیانجامد که بواسطه آنها شخصیت و موقعیت خود در جامعه را در معرض خطر ببینند. یکی از واکنش‌های این مردان در چنین شرایطی، اعمال خشونت می‌باشد.

البته این اقدامات غالباً تنها برای مدت کوتاهی کارساز هستند. خشونت علیه زنان و کودکان در اقامتگاه‌ها توسط همسایگان و یا همسرانی که به همراه افراد کوچ کرده‌اند نیز اعمال می‌شود. معمولاً بین همسران روابط وابستگی تنگاتنگی وجود دارد. البته، پناه‌جویان و تحمل‌شدگان (کسانی که اقامتشان مشمول قانون تحمل می‌شود) در اینگونه اقامتگاه‌ها در انزوای نسبی زندگی می‌کنند. آنها بستگی از حمایت و یا کمک‌های حقوقی در محدوده محل اقامت خود برخوردارند. خیلی‌ها جرأت درخواست کمک‌های قانونی را ندارند. حتی برخی از اینکه اجازه اقامت در آلمان را از دست بدهند، می‌ترسند. هنگامی که زنان درخواست پناهندگی می‌کنند، باید برای فرار خود دلیل بیاوردند. بسیاری از آنها، از نام بردن از خشونت جنسی شرم می‌کنند. از اینرو تقاضای پناهندگی آنها به دوام زندگی ناشوئی شان بستگی دارد.

استفاده از گزینه‌های حقوقی هیچ تأثیری بر نحوه روند پرونده پناهندگی نمی‌گذارد.

خشونت پس از فرار

اعمال خشونت بر زنان و کودکان پناه‌جو، نه تنها در اقامتگاه‌ها، بلکه در جامعه کشور میزبان نیز رخ می‌دهد.

بر اساس تحقیقات انجام شده توسط سوزانه یوهانسون، بیش از سه چهارم از زنان پناه‌جو در آلمان تجربه خشونت روانی را گزارش داده‌اند،

بیش از نیمی از آنان خشونت فیزیکی و یک چهارم خشونت جنسی را تجربه کرده‌اند. سازمان عفو بین‌الملل با زنان پناهنده مصاحبه کرده است. آنها در کنار خشونت تجربه شده در راه فرار، از ترس مداوم خود از بروز خشونت در آلمان نیز نام برده‌اند. متخلفین عبارت بوده‌اند از: شرکای زندگی، افراد غریبه، همسایگان و یا حتی کارکنان اقامتگاه‌ها. گونه‌های مختلف خشونت در فضاهای عمومی و همچنین در اقامتگاه‌های مسکونی و یا خانه‌های خود افراد اعمال شده‌اند. برخی از افراد، از ترک اقامتگاه‌های پناه‌جویان به تنهایی می‌ترسند. دلایل این موضوع عبارتند از:

- حملات فیزیکی خشونت‌آمیز در خیابان
- «توس از غریبه‌ها»، از سوی مردم بومی، مورد فحاشی و توهین قرار گرفتن
- خشونت نژادپرستانه، یعنی تبعیض یا رفتار نابرابر (مثلاً در مدرسه توسط بعضی از معلم‌ها)

علاوه بر این، در آلمان در بین سال‌های ۲۰۱۵ و ۲۰۱۷ اقامتگاه‌های پناه‌جویان بیش از ۲۲۰۰ بار مورد حمله قرار گرفته‌اند (مثلاً با ایجاد آتش سوزی).

علاوه بر خشونت مبتنی بر جنسیت، خشونت نژادپرستانه نیز در زندگی پناه‌جویان حضوری بسیار مشهود دارد. این امر به ویژه در مورد نوجوانان صدق می‌کند.

۲. انواع خشونت

خشونت در موقعیت‌ها و به شکل‌های گوناگون رخ می‌دهد. اساساً، خشونت به سه گونه متفاوت تقسیم بندی می‌شود:

- خشونت مستقیم
- خشونت ساختاری
- خشونت سازمانی

هر زن و هر کودک، همان حق و حقوقی را دارد که مردان از آنها برخوردارند. البته حق برخورداری از کمک و حفاظت در برابر سرکوب نیز وجود دارد.

خشونت مستقیم

خشونت مستقیم، از طرف یک شخص و برعلیه اشخاص و یا اشیاء انجام می‌گیرد.

مثالی در مورد یک کودک:

پدری، به گفته خود، به دختر دوازده ساله اش بیش از هر چیز دیگر عشق می‌ورزد. او به دخترش توضیح می‌دهد که به همین خاطر به نوازش کردن او علاقه دارد. او قصد دارد که همه بدن دختر را لمس کند و به او می‌گوید: "در خانواده ما این کار امری عادی است، پس باید ساکت باشی و این مسئله را با کسی بازگو نکنی." این پدر با ارائه توضیح زیر به دخترش، او را زیر فشار قرار می‌دهد: "کاری که ما انجام می‌دهیم کاملاً عادی است و همه این کار را می‌کنند. مادرانت دیگر نمی‌خواهد با من همبستر شود و به همین خاطر تو باید این کار را انجام دهی." او به دخترش می‌گوید، که چنانچه این مسئله را با کسی درمیان بگذارد، او به زندان خواهد افتاد. این یک سوء استفاده جنسی است.

البته ممکن است که مرزهای کودک بسیار پیش‌تر زیر پا گذاشته شده باشند، مثلاً در موقعیت‌های بسیار پیش‌پا افتاده و روزمره: پدربزرگ همیشه یکشنبه‌ها به دیدار (خانواده) می‌آید و برای سلام و احوال‌پرسی قصد بوسیدن نوه اش را دارد. با وجود اینکه دخترک علاقه‌ای به بوسیدن او ندارد، خواسته اش محترم شمرده نمی‌شود. امکان محافظت از کودک بهتر مهیا خواهد شد، اگر به او آموزش داده شود که:

- «نه» بگوید و

- بستگان یاد بگیرند که مرزهای کودک را محترم بشمارند.

سوء استفاده جنسی در خانواده، موضوع بسیار پیچیده‌ای است. در صورت آگاهی از آن، باید فوراً با مراکز تخصصی مشاوره تماس گرفت. مشاورین این مراکز ملزم به رازداری هستند، بنابراین حق ندارند هیچ چیز را به دیگری بازگو کنند. آنها می‌توانند توصیه‌هایی را در مورد اینکه شخص چه کارهایی را می‌تواند انجام دهد و به چه نحو می‌تواند از خود محافظت کند، ارائه کنند.

مثالی در مورد یک زن بزرگسال:

یک مرد، زن اش را راضی می کند، که هر گاه که او تمایل داشته باشد با او همبستر شود. پس، او زن خود را حتی برخلاف خواسته وی مجبور به نزدیکی جنسی با خود می کند. او موظف است، شوهر خود را از نظر جنسی ارضاء کند. در این میان، مرد حتی صدمات روحی و جسمی را نیز به جان می خورد. زنان، اغلب به واسطه ترس از کتک خوردن و اینکه فکر می کنند حق با مرد است، از وی حرف شنوی دارند. بسیاری از همسران، این دیدگاه ها را با گفتن اینکه مقصر اصلی اعمال خشونت از طرف مرد خود زن است، تقویت می کنند. "اگر مقاومت نکنی و همکاری کنی، برای خودت بهتر است،" این حرفی است که مرد می زند. نظر او این است که حق دارد با زن اش همبستر شود، حتی هنگامی که او تمایلی به انجام این کار نداشته باشد. البته این صحیح نیست و در آلمان قابل مجازات است.

خشونت ساختاری

عدم تعادل در روابط قدرت باعث ترویج خشونت ساختاری می شود. برخورداری از قدرت بیشتر بر افراد دیگر، در ابتدا تنها به این معنی است که توانایی شخص در تأثیرگذاری بر رفتارهای انسان های دیگر به گونه ای است که (این رفتارها) کما بیش باب میل خود او باشند. این مسئله، در نگاه اول چیز بدی نبوده و بخشی از هر رابطه بین انسانی است. البته به شکلی ویژه در روابط بین والدین و فرزندان و همچنین در همه روابط دیگر. مهم این است که اختیار افراد دیگر در تصمیم گیری برای خودشان محدود نشود.

مثال:

تا هنگامی که مردان برای خانواده پول در می آورند، غالباً این آنها هستند که بر اوضاع مالی خانواده تسلط دارند.

معمولاً مالکیت پول دارای اهمیت زیادی است. چون وابستگی ها از این نکته سرچشمه می گیرند. هنگامی که انسان پول و چیزهای دیگر را از دست می دهد، احساساتی نظیر ناامنی و مورد تهدید قرار گرفتن به او روی می آورند. از همین رو، کسی که قدرت در دست اوست، قادر است که این امنیت را به دیگران بدهد و یا دوباره از آنها پس بگیرد. این افراد ممکن است به این خاطر اعضای خانواده یا دوستانشان را از دست بدهند. به همین دلیل است که قدرت (خشونت ساختاری) زنان و کودکان را در چنین ساختارهای خشونت آمیزی، به شدت تحت تأثیر قرار می دهد.

- این گونه از خشونت مستقیم، کاملاً واضح به نظر می آید. با این وجود، زن در اکثر اوقات در مواجهه با این موارد تنهاست، زیرا خانواده و بستگان
- اغلب باور نمی کنند، که شوهر مرتکب چنین تخلفاتی نسبت به قربانی خشونت شده باشد؛
- بر این عقیده هستند که این حق مرد است. بدیهی است که زن موظف است که درآمزش جنسی با مرد همراهی کند؛
- به زن توصیه می کنند، زیاد به اینکه باید این وضعیت را تحمل کند، فکر نکنند. زیرا، نهایتاً هیچ راه دیگری وجود ندارد.

بنابراین، خشونت ساختاری به واسطه عدم توازن قدرت در جوامع تقویت می‌شود. سایر اعضای جامعه اغلب هیچگونه حقی ندارند یا نمی‌توانند از خود دفاع کنند. آنها اجازه ندارند در مورد اینکه چه چیزی برایشان خوب و مهم است تصمیم‌گیری کنند (برای مثال، اینکه دوست دارند کجا زندگی کنند).

قدرت همیشه منفی نیست. کسی که بر شخص دیگری تسلط دارد، باید معنی صحیح این مسئله را برای خود روشن کرده و برخوردی مسئولانه با آن داشته باشد. مثلاً والدین بر کودکان تسلط (قدرت) دارند. کودکان به آنها وابسته هستند. والدین باید از این قدرت برای کمک و حمایت از کودکان خود استفاده کنند. همچنین خرج کردن پول برای تأمین مخارج زندگی هم باید بدون سوء استفاده از قدرت انجام گیرد.

خشونت سازمانی

خشونت سازمانی یک نوع از خشونت است، که از طریق ساختارهای پدیدآمده و موجود، مناسبات قدرت را تقویت می‌کند. این، یکی از عواملی است که مانع از آن می‌شود که افراد کارهایی را انجام دهند که تنها برای خودشان مهم است (برای مثال در محل کار، در مدارس یا اقامتگاه‌ها که در آنها وقت صرف غذا تعیین شده است و یا اشخاص به سرپرستان وابسته اند).

خشونت سازمانی در اصل باید به برقراری نظم کمک کند. مردم یک کشور به واسطه مقررات وضع شده این اطمینان را نیز تجربه می‌کنند که با همه افراد به شکلی یکسان برخورد می‌شود. هدف ایجاد یک محیط آرام مملو از تفاهم برای زندگی

مشترک با یکدیگر است. البته از این موقعیت نباید از طرف هیچکس، برای مثال از طرف پلیس، مددکاران یا حتی در خانواده شخص به اشتباه استفاده شود.

انواع متفاوت خشونت اغلب با یکدیگر در رابطه اند و در کنار یکدیگر وجود دارند. اغلب، چند نوع خشونت همزمان وجود دارند. خشونت در فرهنگ‌های مختلف پیش می‌آید. همچنین میان فرهنگ‌های متفاوت خشونت موجود است. برای مثال در جوامعی که از ساختارهای به اصطلاح پدرسالارانه برخوردارند، به خشونت تشویق می‌شود. در این جوامع، مردان اغلب از قدرت بیشتری برخوردارند در حالیکه همزمان زنان دارای حقوق کمتری هستند. آنها کمتر می‌توانند در زندگی اجتماعی شرکت کنند (برای مثال تحصیل کنند و یا خودشان کار کنند). البته نابرابری در جامعه و در سراسر جهان (تقسیم ناعادلانه رفاه، فقر، روابط میان کشورهای ثروتمند و فقیر) می‌تواند خشونت را توسعه دهد.



۳. خشونت علیه زنان و کودکان

سازمان بهداشت جهانی (WHO)، خشونت علیه زنان را یکی از بزرگترین خطرات برای سلامت زنان در سراسر دنیا قلمداد می‌کند. بر اساس گفته سازمان ملل متحد، هر عملی، که به زنان از نظر جسمی، جنسی یا روانی صدمه برساند و یا به این موارد تهدید کند، خشونت محسوب می‌شود. ارباب و سلب آزادی در ملأ عام یا در زندگی شخصی از جمله این موارد می‌باشند. بنابراین، خشونت علیه زنان به شکل های زیر بروز میکند:

خشونت جسمانی، جنسی و روانی در خانواده:

– خشونت در درون و بیرون از محیط زناشویی (برای مثال کتک زدن، سوء استفاده جنسی، تجاوز، تحقیر، تهدید)

– سوء استفاده جنسی از کودکان در خانواده

– خشونتی که با جهیزیه در ارتباط است

– هر گونه از اعمال سنتی، که برای زنان زیان بار است (برای مثال: ناقص کردن عضو تناسلی)

– خشونت، به قصد بهره کشی و استثمار

خشونت جسمانی، جنسی و روانی در جامعه:

– ارباب، آزار جنسی، سوء استفاده جنسی و تجاوز در محل کار، در مراکز آموزشی و هر جای دیگر

– خرید و فروش زنان و روسپیگری اجباری

خشونت جسمانی، جنسی و روانی، که از جانب حکومت اعمال می‌شود و یا حتی فقط تحمل می‌شود

وضعیت حقوقی:

اعمال خشونت – جسمانی و روانی («صدمه جسمانی») - در کشور آلمان قابل مجازات است!

مجرمین چه کسانی هستند؟

مجرمین را در نود درصد از موارد مردان تشکیل می‌دهند و در بیشتر مواقع از نزدیکان و اطرافیان قربانیان می‌باشند. آنها از همه اقشار جامعه می‌باشند. این افراد می‌توانند شوهر، پدر، پدربزرگ، معلم، دوست خانواده، مربی، عمو، برادر، کشیش، درمانگر و بسیاری از اشخاص دیگر باشند. در هنگام سوء استفاده از قدرت و یا سوء استفاده جنسی، از شرایط شخص قربانی، که اغلب زن یا کودک است، به نحو خاصی سوء استفاده می‌شود.

طبق اعلام WHO (سازمان بهداشت جهانی)، زنان در برخی از جوامع خاص، اغلب از جانب شریک جنسی خود مورد آزار قرار می‌گیرند. در این جوامع، در مواردی هیچ برابری میان مرد و زن وجود ندارد. نقش مردان و زنان گاهی به صورتی سختگیرانه تعیین شده است و ضوابط فرهنگی حق آمیزش جنسی را برای مرد محفوظ می‌دارند. احساسات زن مورد توجه قرار نمی‌

گیرند. این جرایم متداول اند و تنها بندرت به مجازات می‌انجامند و یا بعضاً حتی مثبت ارزیابی می‌شوند.

قربانیان به دفعات به دنبال توضیح و توجیه می‌گردند. این توجیحات می‌توانند مجرم را تبرئه کنند. این مسئله منجر به بخشودگی رفتار خشونت‌آمیز شده و بدین ترتیب مجرم را به تکرار جرم ترغیب می‌کند. او نظر خود، مبنی بر اینکه - «تخلف من هیچ پیامدی ندارد» - «اتفاقی برای من نمی‌افتد!» - «همه از من می‌ترسند و به من احترام می‌گذارند!» را تایید شده می‌پندارد.

دلایل خشونت علیه زنان و کودکان

ساختارهای نابرابر میان مرد و زن به تشویق خشونت علیه زنان می‌انجامند. عوامل تقویت این خشونت عبارتند از:

- ساختارهای پدرسالارانه و مردسالارانه:

این ساختارها تصویر مشخصی از مردان و زنان ارائه می‌دهند. مردانگی اغلب به معنای قدرت، نیرومندی و بوقری و در مقابل زنانگی به معنای مدارا، انفعال و سلطه‌پذیری است؛

- مواضع شدید پرتوقعانه مردانه

و همزمان تصور برتری. در این موارد اغلب آزار و اذیت اتفاق می‌افتد، زیرا مرد باور دارد که از حق انجام این کار برخوردار است. او اجازه دارد، بر زنش حکم براند. حتی بر بدن او و بر همه کارهایی که او انجام می‌دهد، اینکه با چه کسی حرف می‌زنند، اینکه چگونه لباس می‌پوشد

و یا وقت خود را در کجا می‌گذرانند.

- افزایش استقلال زن

(در موارد روزمره و شغل):

برخی از مردان، مستقل تر شدن همسرشان از نظر مالی و اجتماعی را یک تهدید تلقی می‌کنند.

- درماندگی و ناچاری مرد

(مثلاً در روند تقاضای پناهندگی، ندانستن زبان، بی‌کاری): این مورد می‌تواند به دلسردی بیانجامد که نتیجه آن خشونت و رفتار تهاجمی در قبال خانواده خود فرد می‌باشد. این می‌تواند برای مرد به مثابه رهایی از فشارهای احساسی برای مدتی کوتاه باشد. سپس نوبت به پشیمانی می‌رسد. تا زمانی که این روند چرخشی دوباره از نو آغاز گردد.

- خطر طلاق: زنانی که قصد به جدا شدن از

همسر/زوج شان را دارند، به مراتب بیشتر در معرض خطر خشونت قرار دارند. مرد نمی‌تواند این مسئله را تحمل کند، زیرا فکر می‌کند که زن دارایی او است.

برخی از مردان بر این عقیده‌اند که مواردی مانند اعمال قدرت و کنترل، تسلط، رقابت و همچنین خشونت فیزیکی هستند که آنها را تبدیل به یک مرد واقعی می‌کنند. این موضوع باعث درگیری و ناسازگاری در مورد حق زنان در برخورداری از حقوق برابر در جامعه می‌باشد.

برابری در آلمان یک قانون است.

نمونه‌هایی از خشونت بر علیه زنان و کودکان

خشونت مبتنی برجنسیت، بیشتر اوقات در محدوده خصوصی، در بین شرکای جنسی (خشونت خانگی) و به شکل خشونت جنسی وجود دارد.

خشونت خانگی

تعریف دقیقی از خشونت خانگی وجود ندارد. غالباً منظور از آن خشونتی است که یکی از طرفین رابطه علیه زن یا شوهر خود و یا زن و یا شوهر پیشین خود اعمال می‌کند. بنابراین، خشونتی است که میان بزرگسالان در خانواده یا بین یک زوج رخ می‌دهد. نود درصد از مجرمان مردان هستند و زنان قربانیان این مسئله هستند. کودکان هم اغلب به صورت همزمان قربانی می‌شوند.

مقصود خشونت خانگی کنترل و اعمال قدرت است. یکی از شاخصه‌ها این است: این مقوله پیش از هر جای دیگر در محیط شخصی صورت می‌گیرد. محیط و حریم شخصی در اینجا از متخلف نیز حفاظت می‌کند. زنان و کودکان اغلب یا نمی‌خواهند و یا نمی‌توانند چیزی را در مورد تخلف صورت گرفته بازگو کنند. آنها از خشونت شوهر/پدر می‌هراسند. بسیاری از افراد نیز از جدا کردن خانواده توسط نیروی انتظامی، در صورت بازگرددن خشونت اعمال شده در خانه، می‌ترسند و از این رو سکوت می‌کنند. آنها گرفتار شرایطی می‌شوند، که آنها را تحت فشار بسیار زیادی قرار می‌دهد.

خشونت خانگی خود را به شکل‌های زیر نشان می‌دهد:

— خشونت جسمانی،

همچون کشیدن موها، سیلی زدن، نیشگون گرفتن، ضربه زدن، خفه کردن، بستن دست و پا و حمله با اشیاء گوناگون (حتی اسلحه).

— خشونت روانی:

تمسخر همسر (زن) در مقابل افراد دیگر، انتقاد های مکرر در مورد مسائل بسیار پیش پا افتاده، تحقیر، اتهام‌های دروغین، ترساندن، تهدید بر ضد فرزندان یا به کوچ کردن به همراه فرزندان تا سرحد تهدید به مرگ؛

— خشونت جنسی:

مانند مجبور کردن فرد به انجام کارهای جنسی، تجاوز و یا همچنین روسپیگری اجباری؛

— خشونت اجتماعی:

این مورد خود را در مواردی چون کنترل تماس های شخص با سایر افراد و منع او از تماس و یا همچنین زندانی کردن فرد نمایان می‌کند. گاهی، مجرم قربانیان را کاملاً از خانواده منزوی (جدا) می‌کند؛

— خشونت مالی:

هدف این خشونت ایجاد وابستگی مالی است. مجرم قربانیان را از کار کردن منع کرده و یا مجبور می‌کند که برای او کار کنند. به این ترتیب تنها او بر امور مالی تسلط دارد.

خشونت جنسی

خشونت جنسی می تواند بخشی از خشونت خانگی باشد، ولی در نهایت دامنه وسیع تری دارد. با یک حرف تحقیرآمیز علیه زنان شروع می شود. نگاه های شهوت آمیز یا آزارگفتاری، اغلب در این موارد رخ می دهند. شکل های مختلف آن، از زیرپا گذاشتن حریم افراد فراتر رفته و تا آزار جنسی، تجاوز و سوء استفاده جنسی ادامه دارند. حد و مرز موجود بین شکل های مختلف این خشونت، اغلب واضح نیستند و با یکدیگر تلاقی می کنند.

در این نوع از خشونت، از جنسیت به عنوان یک اسلحه استفاده می شود. خشونت جنسی قدرت فرد را به نمایش می گذارد و همزمان قربانی را تحت سلطه خود در می آورد. انواع گوناگونی از خشونت جنسی قابل مشاهده هستند. خشونت ها می توانند میان بزرگسالان اتفاق بی افتند. گاهی بزرگسالان و نوجوانان، مرتکب خشونت جنسی علیه کودکان می شوند و یا خود کودکان، کودکان دیگر را مورد خشونت قرار می دهند. قربانیان

– مورد تجاوز قرار می گیرند:

مجرم به شکل های گوناگون با آلت تناسلی خود به قربانی دخول می کند، یا با اشیاء و گاهی این کار را اشخاص دیگر یا حیوانات انجام می دهند؛

– به انجام کارهای جنسی مجبور می شوند:

مجرم قربانی را مجبور می کند، خود را، او را و یا دیگری را به شکل های مختلف از نظر جنسی ارضاء کند؛

– آزار جنسی می شوند:

دست اندازی متخلف به سینه ها و باسن فرد قربانی بدون اجازه او، به زور بوسیدن و در آغوش کشیدن

کارهای بازگو شده، یک سوء استفاده آشکار از قدرت محسوب می شوند، مجرم با علم به آن و نه بر حسب تصادف این کار را انجام می دهد. او می خواهد خود را ارضاء کرده یا قربانی خود را تحقیر کند. این جرایم قابل مجازات هستند (از لحاظ حقوق کیفری).

در مقابل، تعرض به مرز های جنسی قابل مجازات نیست (هیچ گونه اعمال مجرمانه در این رابطه در حقوق کیفری تعریف نشده است)، اگرچه امکان ارائه شکایتنامه در این خصوص وجود دارد.

به عنوان قربانی یکی از انواع خشونت های برشمرده، هیچ دلیلی برای داشتن احساس گناه و یا حتی سرزنش خود وجود ندارد! شما اصلا مقصر نیستید، حتی در بخشی از این مسئله. همینطور، شما مسئول رفتارهای خشونت باری که بر شما روا داشته شده است، نیستید. لازم نیست که شما رفتار مجرم را درک کرده و یا سعی در تبرئه کردن او داشته باشید. (مثال: «رفتن به آنجا اشتباه بود. من حرف اشتباهی زدم. بله، شاید دامن من بیش از حد کوتاه بود»).

مرزشکنی‌های جنسی

تعرض به مرزهای جنسی در برخی از موارد ناخواسته صورت می‌گیرد، اغلب به واسطه ندانستن و یا عدم وجود حساسیت کافی نسبت به موضوع رخ می‌دهد. تعرض به مرزهای جنسی اغلب آغاز اعمال جنسی قابل مجازات می‌باشد. تجربه نشان دهنده این است که قربانیان در بیشتر موارد توانایی دفاع از خود را ندارند. آنها معمولاً به واسطه این گونه تعرض‌ها شکه شده و می‌ترسند. به همین دلیل است که بسیاری از قربانیان در چنین شرایطی توانایی ایستادگی و دفاع از خود را ندارند. با این همه، آنها مقصر اتفاقی که برایشان افتاده نیستند.

روشن و واضح بگوئید یا نشان دهید:
«ایست. مرز اینجاست».

آزار جنسی

در آزار جنسی، کسی در نظر دارد که شخص دیگری (در این مقوله جنسیت این شخص برای جرم هائز اهمیت است) را مورد اهانت و تحقیر قرار دهد. دست زدن به باسن و سینه می‌توانند نمونه‌هایی از آزار جنسی باشند. این هم مهم است: با سخن گفتن و علامت دادن به شخص مقابل خود بفهمانید که او باید از رفتار تعرض آمیز خود دست بکشد. این کار می‌تواند جلوی خشونت را بگیرد. البته همیشه کارا نیست. در این صورت، می‌توان درخواست کمک کرد - زیرا: بعضی از مجرمین عمداً از حد خود عبور می‌کنند!



سوء استفاده جنسی

یک شکل خاص خشونت جنسی همان به اصطلاح سوء استفاده جنسی است. این مقوله، شامل هرگونه عمل جنسی است که بزرگسالان به دختران و پسران زیر چهارده سال روا می‌دارند. در اینجا، اینکه این دختران و پسران این کار را ظاهراً داوطلبانه انجام می‌دهند (موافق هستند) و یا راضی به انجام آن نیستند، هیچ تفاوتی نمی‌کند. یک نوع خشونت جنسی دیگر هم وجود دارد؛ بعضی از کودکان (همین طور بزرگسالان) از نظر جسمی، روحی و روانی و یا به دلیل کمبود مهارت‌های گفتاری از خلاقکار ضعیف تر هستند. آنها نمی‌توانند، آگاهانه موافقت کنند. بنابراین مجرم از موضع قدرت خود سوء استفاده می‌کند.

مجرمین وجود دارند که با ترندهای مختلف (اغلب از طریق اینترنت در اتاق‌های چت) با کودکان و نوجوانان تماس برقرار می‌کنند، تا اعمال خشونت‌آمیز جنسی را زمینه‌چینی کنند. برای اینکار، در ابتدا علاقمندی ابراز می‌شود، سپس یک چنین رابطه‌ای پایه‌ریزی می‌شود. مجرم از امور گوناگونی در مورد طرف مقابل خود آگاه شده و می‌تواند آنها را به عنوان اهرم فشار بکار گیرد («اگر عکس لختی برایم نفرستی، والدین ات را در جریان می‌گذارم»). مهیا ساختن یک عمل خشونت‌بار جنسی را «گرومینگ» (Grooming) می‌نامند.

مجرم به شیوه‌ای راهبردی عمل کرده و از ساختارهای اجتماعی استفاده می‌کند، از ارزش‌ها و قواعد ویژه. از جمله این موارد این تابو (مورد نهی شده) است که نباید در مورد مسائل جنسی صحبت کرد، زیرا این موضوع باعث می‌شود که کودکان و نوجوانان قربانی سکوت کنند. عامل

مثال:

یک دختر بچه چهارساله. در این مورد، همه مجرمین از شرکای زندگی و دوستان مادر بودند. یکی از آنها مادر را دانسته برگزیده بوده است. این فرد بوسیله یک آگهی به دنبال شریک زندگی می‌گشته که پی می‌ببرد که این زن دارای یک دختر کوچک می‌باشد. این شریک زندگی، به دنبال برقراری روابط جنسی با کودکان بوده و از آنجا که همه آنها در یک خانه زندگی می‌کردند، «دسترسی» به دختر بچه کوچک خیلی زود برایش میسر شده است. مادر هیچ کاری بر ضد رفتارهای خشونت‌بار انجام نمی‌داده است. زیرا او از ترک شدن توسط مرد می‌ترسیده است.

دیگر تربیت مستبدانه است: زمانی که کودکان عادت کرده باشند که بر خلاف حرف بزرگترها چیزی را بازگو نکرده و کارهایی را انجام دهند که آنها می‌گویند، توانایی شان در مشخص کردن مرزهای خود و دفاع از خود کم‌تر می‌شود.

سوء استفاده از کودکان می‌تواند باعث بروز این شکل‌های فشار روانی گردد:

- شرمساری:

کودکان اغلب فکر می‌کنند که آنها به عنوان قربانی، در خشونت مقصر بوده‌اند. از آنچه بر آنان گذشته است شرمسارند. این احساس معمولاً قویتر از احساس خشم علیه مجرم است.

- احساس مسئولیت کاذب:

کودکان فکر می‌کنند که شاید آنها کار اشتباهی کرده‌اند یا مقصر فروپاشی خانواده هستند. این مورد، برای بیشتر کودکان قربانی مسئله‌ای غیر قابل حل است.

— ترس از دردسر:

کودکان در مدارس و سایر مؤسسات هم قربانی خشونت جنسی می شوند. اما آنها تمایلی به داشتن دردسر در خانواده و یا با معلمین و دوستان ندارند.

— محکوم شدن:

کودکان، از اینکه قضاوت افراد دیگر نسبت به اتفاقاتی که برایشان افتاده است به گونه ای دیگر باشد و اینکه احساس خودشان اشتباه باشد، می ترسند. آنها اغلب از حقوق خود مطلع نیستند و نمی دانند که فرد بزرگسال کار

مثال:

پدری دختر دوازده ساله اش را مورد تجاوز قرار می دهد: او به زور به او دخول می کند. دختر درد داشته و احساس می کند که این کار پدرش اشتباه است. پدر به او توضیح می دهد که او از مادرش زیباتر است و این وظیفه او به عنوان یک پدر است که مسائل جنسی را به دخترش نشان دهد. دختر در قبال مادر احساس گناه می کرده و متوجه شده بوده که مادر از او روی برمیگرداند. او همچنین فکر می کرده است که مسئولیت این که پدر به دلیل زیبایی اش به او تمایل پیدا کرده است، متوجه او می باشد.

دختر بچه هرگز امکان برخورداری از پشتیبانی را در خانواده خود نداشت. ولی مدرسه را دوست داشت و علاقه زیادی به یکی از خانم معلم ها داشت. علاوه بر این، روابط بسیار خوبی با مادران دو دختر همکلاسی اش داشت.

اشتباهی را انجام داده و می تواند مجازات شود.

— متعهد ساختن به پنهانکاری توسط مجرم:

کودکان مشکلات بزرگی در تفکیک رازهای «خوب» و «بد» دارند. گاهی دوست دارند، حتی با وجود تحت فشار قرار گرفتن از سوی مجرم، رازی را برملا نکنند.

خشونت جنسی از راه تظاهر به عاطفه

خشونت جنسی همیشه "خشونت آمیز" و همراه با وارد آوردن درد (مثلا کتک زدن) نیست. در بسیاری از موارد خشونت جنسی در اعمالی بروز می کند که به عنوان عاطفه برداشت می شوند (به عنوان مثال نوازش محبت آمیز). این امر با تسلط و اجبار ارتباط دارد. این نوع خشونت برای قربانیان به معنی شرایط سخت و دوگانه است: شوهر یا پدر، پدر بزرگ یا دوست خانوادگی، تظاهر می کند که می خواهد کاری محبت آمیز انجام دهد و همزمان مرزهای جسمی و روحی را زیر پا گذاشته و قدرت اش را به رخ می کشد. این امر برای قربانیان منزجر کننده و رنج آور است. مجرم می خواهد با گفتن مطالبی چون "تو چقدر سکسی (جذاب) هستی و یا اگر اینقدر تحریک انگیز لباس نمی پوشیدی... مادر ات اصلا به اندازه تو خوب نیست"... یا مثلا، "من که می فهمم، بدن تو چگونه واکنش نشان می دهد، معلومه که تو هم تمایل داری..."، این احساس را به قربانی القاء کند که او نیز در این کار شریک است. او به کودک تلقین می کند که خودش مقصر این است که کار به اعمال جنسی خشونت آمیز کشیده است. اقدام به جابجایی مسئولیت جرم را زنان نیز تا حدی تجربه می کنند.

وضعیت حقوقی:

انجام اعمال جنسی با و یا بر روی کودکان زیر چهارده سال همواره قابل مجازات است. پاراگراف ۱۷۶ از کتاب قانون کیفری آلمان به صراحت اعلام می‌دارد: اینکه کودکان مجبور به انجام اعمال جنسی بر روی یک مجرم مرد، زن و یا کس دیگری بشوند نیز سوء استفاده جنسی می‌باشد. یکی دیگر از انواع مهم این جرم، نشان دادن پورنوگرافی (فیلم‌ها و یا عکس‌های غیراخلاقی) به کودکان و به منظور تاثیرگذاری بر آنان می‌باشد.

حقوق جزائی، از جوانان تا حداکثر سن ۱۸ سال در برابر تعدی جنسی اشخاصی که با آنان رابطه سرپرستی دارند، حفاظت می‌کند. برای مثال والدین (همچنین ناپدری و نامادری)، آموزگاران، مربیان، مددکاران اجتماعی، یا سایر کارکنان نهادهای مشاوره و پشتیبانی تربیتی از این جمله هستند. البته در این سنین، اینکه چه میزان فشار یا اجبار بر جوانان قربانی وارد شده و بدین شکل از وابستگی آنها سوء استفاده شده است، ارزیابی می‌شود.

نوجوانان (۱۴ تا ۱۸ ساله) و جوانانی که در حال بزرگسال شدن هستند (۱۸ تا ۲۱ ساله) نیز، در صورتیکه از شرایط دشوار و بغرنج یک دختر یا پسر سوء استفاده کنند و یا برای انجام کارهای جنسی پول بپردازند، مجازات می‌شوند.

گاهی در هنگام خشونت جنسی، قربانیان نیز از لحاظ جسمی لذت می‌برند که در مواردی حتی همراه با انزال (ارگاسم) می‌باشد. این مسئله برای

آنان بسیار ناخوشایند است. بدن انسان در این موارد تنها به یک تحریک جنسی واکنش نشان می‌دهد. هیچ دلیلی برای شرمساری فرد پس از این رخداد وجود ندارد.

عواقب خشونت بر علیه زنان و کودکان

عواقب شخصی

واکنش هر فرد نسبت به خشونت متفاوت از دیگران می‌باشد. اگرچه تجربه خشونت جنسی همواره برای تمام قربانیان به معنی وارد شدن آسیب‌های بسیار شدید بر تمامیت آنان است. این مسئله می‌تواند به یک آسیب روحی مستمر بیانجامد. بسیاری از زنان و کودکان قربانی خشونت جنسی، در تمام زندگی احساس گناه کرده و شدیداً رنج می‌برند. آنان مایل‌اند، آنچه که اتفاق افتاده است را از نظر احساسی دسته‌بندی کنند، بفهمند و دوباره بر خود و زندگی خود مسلط گردند. این کوشش، در درک پیشامد، معمولاً به ایجاد احساس گناه می‌انجامد. شخص، رفتار و برخورد خود را مرتبط با عمل خشونت‌آمیز می‌داند:

مثال:

«کاش من آنجا نمی‌بودم یا کاش به دلخواه با او همبستر شده بودم. بهتر است که آخرسر قبول کنم که او شوهر من است و به این دلیل حق دارد که با من بخوابد.»

— عذر و توجیه جستن: در عوض، برای بعضی‌ها، آنچه که اتفاق افتاده است، لزوماً خشونت محسوب نمی‌شود. آنها سعی می‌کنند عمل خشونت بار را دسته بندی کنند، آنرا توجیه نموده و به عنوان امری «عادی» ارزیابی کنند. این دسته از زنان، اغلب نمی‌توانند به احساسات شخصی خود اعتماد کنند و یاد نگرفته اند که به خود اجازه بروز احساساتی نظیر انزجار، ترس، درماندگی، نفرت، اندوه و ناتوانی را بدهند.

مثال:

دختر چهار ساله ای در یک محیط خاص بزرگ شده که خشونت جنسی در آنجا «عادی» بوده است. مادر نمی‌خواسته و نمی‌توانسته از کودک حفاظت کند؛ او نمی‌توانسته درخواست کمک کند، زیرا نمی‌دانسته که دخترش به کمک نیاز دارد. این دختر، اعتماد به نفس و احساس نسبت به بدن خویش را از دست داده، و از بدن خود منزجر شده بود. نهایتاً، دیگر اقدام به شستشوی خود نمی‌کرد. همزمان آرزوی دریافت محبت داشت: یاد گرفته بود محبت را از طریق رابطه جنسی به دست بیاورد و همکلاسی‌هایش را به انجام اعمال جنسی راضی کرده بود. این رفتار زیر نظر گرفته شده و به عنوان رفتار جنسی محسوب و طبقه بندی شده بوده است. این دلیلی بود تا نیروهای تخصصی در جریان امر قرار گرفته و فعال شوند.

زنان قربانی بعد از واقعه در یک نوع حالت شوک به سر می‌برند. آنها گاهی حتی پس از گذشت روزها، دیگر خود و محیط اطراف خود را حس نمی‌کنند. آنان خود را در محیطی که به آن عادت کرده اند غریبه می‌پندارند و حس می‌کنند که همه آنچه را که تا امروز بدان باور داشته اند، دیگر وجود خارجی ندارد. این حالت، به شکل یک احساس سردرگمی درک می‌شود. رفتار قربانیان بعد از وقوع جرم کاملاً انفرادی و متفاوت است، هیچگونه الگوی «مخصوص» وجود ندارد.

از جمله نحوه‌های واکنش و عوارض واپسین ممکنه موارد زیر می‌باشند:

— تنظیم شکایتنامه: بعضی از زنان، مراجعه به پلیس پس از وقوع جرم، را مدنظر قرار می‌دهند.

— جستجوی تماس: زنان دیگر، به گفتگو با اشخاص ذیربط، سرزدن به مراکز تخصصی و یا گفتگو با افراد قابل اعتماد، تمایل نشان می‌دهند.

— خرد شدن: بسیاری از قربانیان ساعت‌های متوالی گریه می‌کنند، قادر به حرف زدن نیستند و عجز و درماندگی خود را به وضوح نشان می‌دهند.

— تسلط: برخی دیگر، مسلط بر خود می‌نمایند و خونسرد، معقول و متعادل به نظر می‌آیند. برای آنها کاملاً روشن است که به ایشان خشونت روا شده و مجرم گناهکار است، با اینحال برایشان این پرسش باقیست که چه اشتباهی از آنان سر زده است.

– اختلال در اعتماد به نفس: منزلت، رفتار عادی در قبال مسائل جنسی و احساسات فرد نسبت به بدن خویش می‌توانند برای مدت طولانی مختل شوند.

– سرزنش کردن خود: خیلی‌ها با احساس شرم و انزجار نسبت به خود واکنش نشان می‌دهند و یا حس عذاب آور گناه و سرزنش خود، در آنها رشد می‌کند.

– آشفتگی احساسات: بسیاری از قربانیان خشونت، در مورد واکنش‌های خود در حین وقوع جرم، عمیقاً سردرگم هستند.

نزدیکان، اغلب همه این برداشت‌های احساسی را تشدید می‌کنند. ممکن است که بستگان، دوستان و آشنایان واکنش‌های تدافعی از خود بروز دهند. آنها اغلب رخداد را باور نداشته و تقصیر را بر گردن قربانی می‌اندازند.

عواقب خشونت جنسی برای سلامت فرد

اغلب نمی‌توان بطور واضح عواقبی را که تجربه خشونت بر سلامتی می‌گذارد را به خشونت ربط داد. پاره‌ای از دردها یا ناراحتی‌های روحی یا روحی-جسمی بعداً بروز می‌کنند و برای مدت زمان طولانی تری برجای می‌مانند. زنانی که در زمان کودکی خشونت را تجربه کرده‌اند و اکنون از نظر جسمانی از عواقب طولانی مدت آن رنج می‌برند، اغلب در ابتدا از ربط دادن ناراحتی‌های خود به تجربه خشونت احتمالی، ناتوان هستند.

در بسیاری از موارد، قربانیان صدمات ناشی از اعمال خشونت‌آمیز را پیامدهای ناشی از

«تصادفات» وانمود می‌کند.

نشانه‌های زیر می‌توانند عواقب رفتارهای خشونت‌آمیز باشند:

– آسیب‌های بدنی:

شکستگی استخوان، آسیب رسیدن به اعضای داخلی، آسیب مغزی در نتیجه ضربات بر سر، زخم‌های بد التیام یافته و ماندن جای این زخم‌ها در سراسر بدن، سوختگی‌ها، سوختگی بوسیله اسید و مواد شیمیایی، نافرمانی شدن صورت، ضعف بینایی و شنوایی، جراحات در ناحیه زیرشکم در اثر لگد و ضربات و یا سقط جنین اجباری.

– جراحات در بخش‌های تناسلی:

تجاولها، زخمی شدن و خونریزی مقعدی و مهبلی را در پی دارند، عفونت‌های مثانه، بیماری‌های مقاربتی، نازایی و سقط جنین.

– بیماری‌های روحی-جسمی:

زخم معده، ایجاد لخته‌های خون در رگ‌ها (ترومبوز)، دردهای قلبی، و سردردهای مداوم، اختلالات خون‌رسانی و بسیاری موارد دیگر.

– آسیب‌های روحی یا به عبارتی روانی:

حالات ترس و اضطراب، اختلالات خواب، بی‌اعتمادی، افسردگی، احساس شرم و گناه، اختلالات استرسی پس از آسیب روحی، فلاش بک (مرور گذشته)، احساس ناپاکی و بدنامی، اختلالات هویتی و تعیین مرز، کمبود اعتماد به نفس، استیصال، اقدام به خودزنی، دردهای طولانی مدت در حین آمیزش جنسی، جنسی شدن شدید رفتارهای فرد، اختلال خوردن، وسواس، اعتیاد به مواد مخدر و داروها، خودکشی یا سعی در خودکشی.

گاهی، قربانیان عواقب روانی را به خشونت می‌دهند. آنان ناراحتی‌های خود را نه نتیجه بد رفتاری، بلکه نتیجه «نارسائی یا نقص» خویش می‌بینند. این مسئله به شکلی مضاعف باعث از دست دادن حس اعتماد به نفس می‌شود.

عواقب خانوادگی و اجتماعی

انسانها به مثابه یک موجود اجتماعی، وابسته به شبکه‌های ارتباطی خویش هستند، برای مثال این شبکه‌ها عبارتند از خانواده، دایره دوستان یا همکاران. با این وصف تجارب خشونت مستقیم اکثراً در این محیط‌های آشنا اتفاق می‌افتند - عاملین بندرت از افراد غریبه هستند - به این ترتیب محیط اجتماعی شخص مستقیماً تحت تاثیر قرار می‌گیرد. برای بسیاری از زنان قربانی، سخن گفتن در مورد تجربیات خشونت بسیار دشوار است. آنها از سرزنش‌ها وحشت دارند

«آخر چرا به آنجا رفتی» یا «حتماً خودت به او نخ دادی؟»: در مقابل، برای بسیاری از بستگان و دوستان قربانیان، پذیرش اینکه خشونت در پیرامون آنها رخ داده است بسیار سخت است. خطرات و تهدیدهای بعدی خشونت خانگی / جنسی برای قربانیان:

- ترس از طرد شدن در درون محیط‌های اجتماعی. نمایش یا تشریح تجربه خشونت می‌تواند منجر به جدائی از شریک زندگی، تنهایی، به هم زدن با خانواده یا ترس از روابط نزدیک (جدید) و نیز رفتارهای خشونت آمیز گردد.

- احساس انزوای شدید:

در اثر بد رفتاری‌های طولانی مدت، کناره‌گیری شدید از محیط آغاز می‌شود. شخص باور به امنیت خود را از دست می‌دهد. نتایج این امر کناره‌گیری شدیدتر و به ویژه ایجاد تغییراتی در معیارهای ارزشی فرد می‌باشند.



– وابستگی های مالی

خشونت از شبکه اجتماعی خود طرد شده اند، به شکلی فوق العاده زیاد تهدید می کند.

قربانیان تنها از انزوای اجتماعی رنج نمی برند. بسیاری از زنان به خانه زنان پناه می برند و نه تنها محیط آشنای خود، بلکه اموال و دارایی خویش را پشت سر باقی می گذارند. آنان اکثراً از تنظیم شکایت، نفقه یا اعاده خسارت صرف نظر می کنند.

دلایل این امر عبارتند از:

– ترس از حملات خشونت آمیز مجدد

– خجالت و شرم، زیرا آنها در اکثر موارد فکر می کنند که خودشان مقصر بوده و یا در گناه سهیم هستند و نمی خواهند که آبروی خانواده را ببرند.

– علم بر اینکه راه (پیگیری) قضائی سخت است و همیشه موفقیت آمیز نیست.

مثال:

مادر یک کودک چهارساله، در دوران کودکی خود از طرف پدرش مورد خشونت جنسی قرار گرفته است. او نمی توانسته به عنوان مادر از خود و دخترش محافظت کند. در حقیقت او بیشتر یاد گرفته بوده، که برای برقراری رابطه با مردان، به آمیزش جنسی با آنها اقدام کند. دختر او از دوازده سالگی همین شیوه را در پیش گرفته است. مددکار پرسید که چرا مادر از دخترش در برابر تعدی های شریک زندگی اش دفاع نکرده است. مادر پاسخ داد: «این مسئله برای من عادی بود – خود من هم همین تجربه را داشته ام.»

در ابتدا سبب می شوند تا هیچ راه گزینی مشهود نباشد. این منجر به یک احساس انزوای شدید می شود. در کنار ترس از رفتار خشونت آمیز مجرم، این احساس که بدون او نمی شود زندگی کرد بسیار قوی است.

– انفعال:

از دست دادن اعتماد به نفس و احساس بی ارزشی، اغلب منجر می شود که قربانی خود را به شکل کامل با مجرم وفق دهد. در این میان موضوع بر سر زنده ماندن است. پیوند میان مجرم و قربانی در این میان آنقدر قوی می شود که قربانی رفته رفته از دید مجرم به خود می نگرد.

– عدم احساس مسئولیت نسبت به کودکان:

کم پیش نمی آید که قربانیان به آسیب های شدید روحی (اختلالات استرسی پس از آسیب روحی، اختلالات شخصیتی بُردِ لاین خط مرزی) و اختلالات تجزیه هویت مبتلا شوند. در نتیجه این موارد آنها در مورد فرزندان خود اهمال می کنند.

– نگرانی از تغییر:

ممکن است که برنامه های زندگی و وضعیت شغلی در اثر جدایی دستخوش تغییراتی شوند: برای نمونه فسخ قرارداد و تغییر شغل، بروز مشکلات در محل کار، بیکاری.

– فقر:

کم نیستند زنانی که در نتیجه جدایی دچار تنگدستی شده و یا احتمال فقیر شدن آنها افزایش می یابد. از جمله موارد مربوطه، از دست دادن خانه و بی خانمانی می باشند. خطر فقر، زنان و کودکانی را که پس از تجربه

به افرادی که به آنان اعتماد دارید
سر بزینید. با آنان و با مراکز تخصصی
مشاوره در مورد کمک به و حفاظت از
کودکانی که خشونت خانگی را تجربه
می کنند، حرف بزینید.

علاوه بر آسیب های روانی، دچار صدمات
جسمانی نیز می گردند. آنها گاهی می خواهند
به مادرشان کمک کنند. ولی دست آخر در
همین زمان به شکل مستقیم قربانی خشونت
می گردند.

– بار رازداری:

اغلب کودکان میبایست بواسطه حضور اجباری
در دبستان، تماس با بیرون را بازهم استوار
نگاه دارند. اغلب، آنها در مواردی که خشونت
خانگی را تجربه می کنند، تحت فشار قرار
می گیرند. از اینکه پدرشان به این دلیل که
آنها نتوانسته اند سکوت کنند به زندان بیافتند،
می ترسند. به آنها تلقین می شود که در صورت
از هم پاشیدن خانواده بوسیله پلیس، آنها مقصر
اند. آنها به حبس در خانه تهدید می شوند. در
بسیاری موارد، این امر یکی از دلایل امتناعی
کودکان از سخن گفتن درباره آنچه در خانه
می گذرد می باشد. از آن گذشته، آموزگاران
در بسیاری از مدارس نمی توانند به شیوه ای
مناسب با خشونت که آنها را می دانند،
برخورد کنند.

– آسیب های روحی جدی:

سعی در فراموش کردن و از بین بردن خاطره
موارد تجربه شده می تواند به انزوای اجتماعی
و در بدترین حالت به خودکشی بیانجامد.

– منشا تغییرات:

خیلی از کودکان خانواده را ترک کرده و به خود
جسارت آغازی جدید را می دهند.

– تجارب در ساختارهای مرد سالار: مردان از
حق تنبیه زنان و فرزندان خود برخوردارند و
می توانند از همسر خود آمیزش جنسی را مطالبه
کنند.

عواقب فرا نسلی

انسان هایی که در کودکی مورد خشونت قرار
گرفته اند، معمولاً بعدها بیش از دیگران عامل جرم
شده و یا در «نقش قربانی» باقی می مانند.

عواقب برای کودک

کودکانی که خشونت خانگی مستقیم یا غیرمستقیم
را تجربه می کنند، از یک سو به عوارض تاخیری
روانی مشابه قربانیان مبتلا شده و از سوی دیگر
دچار ضربات روحی شدید می شوند.

نشانه های تاخیری (بعدی) عبارتند از:

– کاهش اعتماد به نفس:

خودشکوفایی به شدت محدود می شود.

– یأس و ناامیدی:

تجربه ضعف و ناتوانی یکی از والدین می تواند
باعث تقویت احساس ناتوانی در شخص شود.

– ارزیابی اشتباه:

البته تجربه ضعف و ناتوانی یکی از والدین
می تواند به طرفداری کودکان از عامل جرم
بیانجامد، زیرا در کنار او بیشتر احساس امنیت
می کنند.

– الگوهای رفتاری نامناسب:

کودکانی که خشونت خانگی را تجربه می کنند
در بسیاری از مواقع تبدیل به مجرم و یا قربانی
می شوند.

– صدمات جسمانی:

در اکثر موارد کودکان همانند مادرانشان



۴. راه‌های خروج از خشونت

همه انسانها در مقابل قانون برابرند. زنان و کودکان دارای همان حقوقی می‌باشند که مردان از آنها برخوردارند و مجازند که خودشان تصمیم‌گیری کنند. قانون و مذهب دو مقوله جدا از یکدیگر می‌باشند.

علاوه بر این، زنان قربانی خشونت می‌توانند به خانه زنان مراجعه کرده و به همراه کودکان موقتاً در آنجا سکونت‌گزینند. مراجعه به یک پزشک زن برای معاینه جراحات وارده و مستند سازی آنها (تشکیل پرونده) بسیار هائز اهمیت است.

امکانات مشاوره

زنان قربانی خشونت، می‌توانند برای دریافت کمک، حمایت و مشاوره درمورد امکانات حفاظتی بیشتر از مراکز مشاوره و خانه‌های زنان و دفاتر کمک به قربانیان یا تلفن‌های اضطراری خشونت استفاده کنند (به بخش نشانی‌های برقراری تماس رجوع کنید). مراکز تخصصی مشاوره، بدون نیاز به تنظیم شکایتنامه، در مورد نحوه اقدامات مقتضی اطلاع‌رسانی می‌کنند. شکایتنامه را میتوان بعداً هم تنظیم نمود. در صورت تمایل امکان مشاوره به صورت ناشناس وجود دارد.

زنان قربانی همچنین می‌توانند از دوستان، بستگان یا همسایگان خود، چه مرد و یا زن، تقاضای حمایت کنند.

حفاظت حقوقی ویژه قربانیان خشونت در آلمان

کودکان، زنان و مردان در آلمان از حقوق یکسان برخوردارند. از اینرو امکانات حفاظتی به شکل یکسان در اختیار همه می‌باشند. قربانیان خشونت در آلمان از امکانات حفاظتی گوناگونی برخوردارند. هر انسانی از حق زندگی عاری از خشونت برخوردار است.

خشونت از سوی شریک زندگی می‌تواند شکل‌های متفاوتی داشته باشد. اهانت‌ها، ایجاد محدودیت‌هایی برای آزادی شخصی، کنترل، پرخاشگری‌ها، تهدیدها، کتک زدن، آمیزش جنسی اجباری، تعقیب و یا آزار و مزاحمت.

کمک در مواقع ضروری

در صورت اعمال خشونت مبرم از طرف شریک زندگی، می‌توان با استفاده از شماره تلفن ۱۱۰ با پلیس تماس گرفت و یا به کلانتری مراجعه کرد. پلیس موظف است که برای حفاظت از شخص، بی‌درنگ در محل حاضر شود. پلیس می‌تواند عامل جرم را برای حداکثر ۱۴ روز به محل سکونت مشترک منع کند. همچنین پلیس می‌تواند عامل جرم را موقتاً توقیف کند تا منع ورود به خانه را عملی سازد. در صورت وقوع اقدامات قابل مجازات، پلیس موظف به تنظیم شکایتنامه می‌باشد.

زندگی، محل وقوع جرم و یا محل اقامت تحویل دهد. دادگاه می تواند به عنوان اقدامات حفاظتی، مجرم را از موارد زیر منع کند:

– نزدیک شدن به خانه،

– حضور در جاهایی که زنان قربانی خشونت (باید) مرتباً به آنها مراجعه کنند،

– برقرار کردن تماس،

– و یا ملاقات با قربانی.

کسی که با مجرم در یک منزل زندگی می کند، می تواند تسلیم خانه را نیز درخواست کند.

اقدامات حفاظتی از طرف دادگاه برای مدت زمان مشخصی تعیین شده و به پلیس ابلاغ می گردند.

هرگونه اقدام برخلاف دستورهای حفاظتی دادگاه

از طرف عامل جرم باعث می شود که او قابل

مجازات شود. در این صورت نیز می توان به

پلیس تلفن زد.

توسل به یک وکیل زن

تعیین یک وکیل زن، هر چند الزامی نیست،

اما برای کسی که می خواهد شکایتنامه تنظیم

کند، بهتر است حتماً یک پشتیبان حقوقی در

کنار خود داشته باشد، چون تنها از این طریق

است که امکان تأثیرگذاری بر روند دادرسی

بوجود می آید. سپس، قربانیان به عنوان شاکیان

خصوصی ایفای نقش می کنند. مراکز مشاورتی

خشونت یا موسسات حمایتی، می توانند وکلای

زن با تجربه را توصیه کنند.

کارکنان مراکز تخصصی مشاوره،
پزشکان زن و وکلای زن اساساً ملزم
به رازداری هستند. البته، در صورت
مشاهده شواهدی مبنی بر خطرات
احتمالی تهدید کننده آسایش کودک،
ممکن است موظف باشند که با
اداره جوانان تماس برقرار کنند.

چنانچه برنامه ای برای تنظیم شکایتنامه دارید،
توصیه میشود برای مشاوره به یک مشاور حقوقی
مراجعه کنید.

دستورات حفاظتی مبتنی بر قانون حفاظت در برابر خشونت

«آنکه بزند، می رود»- قانون از همه قربانیان

خشونت در برابر خشونت، مزاحمت و تحت

تعقیب قرارگرفتن حفاظت می کند.

کسی که قربانی خشونت، تهدید و آزار می شود،

می تواند جدای از محاکمه کیفری، دستور

حفاظت بر پایه دادرسی مدنی را درخواست

کند. این مورد، امکان استفاده رایگان از خدمات

یک مرکز مشاورتی خشونت را برای قربانیان

فراهم می آورد. اقدام به دادرسی بر اساس قانون

حفاظت در برابر خشونت از لحاظ مالی هزینه ساز

است. برای کسی که محتاج است، یعنی از درآمد

یا دارایی بهره مند نمی باشد، امکان دریافت

کمک هزینه محاکمه وجود دارد.

هر شخص می تواند تقاضانامه دستور حفاظت را به

دادگاه خانواده (دادگاههای منطقه) واقع در محل

امکانات حمایتی دیگر

حمایت تنها از طرف مراکز مشاوره، وکلای زن یا خانه‌های زنان ارائه نمی‌شود. یک شخص معتمد می‌تواند شما را در هنگام بازجویی همراهی کند، که البته باید قبلاً در این زمینه تقاضانامه‌ای تنظیم گردد. زنان قربانی همچنین می‌توانند از خدمات روانی-اجتماعی در طول روند محاکمه بهره‌مند شوند. همراهان روانی-اجتماعی محاکمه بطور تخصصی تعلیم دیده‌اند و از قربانیان شاهد و همچنین وابستگان آنان، قبل، بعد و در جریان محاکمه به صورت همه‌جانبه حمایت می‌کنند.

همراهی روانی-اجتماعی در زندگی روزمره را نیروهای متخصص نهادهای تخصصی مشاوره دیگر برعهده می‌گیرند، تا با این کار تفکیک واضح و روشن بین محاکمه و حمایت روزمره تضمین گردد و شبهه‌ای مبنی بر تحت تاثیر قرارگرفتن همراهان محاکمه برای دادگاه بوجود نیاید. از ژانویه ۲۰۱۷، حق استفاده از همراه روانی-اجتماعی در محاکمه (برای همگان) محفوظ است.

از ژانویه ۲۰۱۷ حق قانونی برخورداری

از همراه روانی/اجتماعی در محاکمه

تصویب شده است.

کسی که امکان مالی مشاوره با وکیل را ندارد، این امکان را دارد که برای نخستین مشاوره کمک هزینه مشاوره تقاضا کند. فرم استحقاق نامه برای دریافت کمک هزینه مشاوره را میتوان از دادگاه مدنی محل زندگی دریافت کرد. قربانیان می‌توانند برای تنظیم تقاضانامه از مرکز مشاوره خشونت کمک بگیرند.

کسی که قربانی یک عمل مجرمانه شده است و باید به عنوان شاهد در یک محاکمه کیفری شهادت بدهد، می‌تواند یک استحقاق نامه برای مشاوره اولیه را نیز تقاضا کند.

از این گذشته، زنان قربانی خشونت می‌توانند به عنوان شاکیان خصوصی ایفای نقش کرده و از حمایت یک وکیل زن به عنوان نماینده شاکی خصوصی یاری جویند. تحت شرایط خاص، امکان برعهده گرفتن هزینه‌های مالی وجود دارد. می‌توان در اولین جلسه مشاوره با وکیل یا از یک مرکز مشاوره خشونت در مورد میزان مخارج نمایندگی شاکی خصوصی سوال کرد.

همچنین توصیه می‌شود، در هنگام بازپرسی به عنوان شاهد، از یک وکیل زن بعنوان پشتیبان شاهد یاری جویند. تحت شرایط خاص، مخارج این مورد نیز می‌توانند برعهده گرفته شوند..

بعد از یک شکایت کیفری چه اتفاقی می افتد؟

در شکایت کیفری مربوط به خشونت خانگی یا جنسی، اظهارات قربانیان از اهمیت ویژه ای برخوردارند، زیرا در اکثر موارد مدارک دیگری در دسترس نبوده و یا تنها نقشی تکمیلی دارند. در موارد بسیار نادر شاهدان مستقیم جرم وجود دارند.

کسی که تصمیم به شکایت کیفری می گیرد، باید در نظر داشته باشد که باید به دفعات (مثلا در اداره پلیس و در دادگاه) به صورت مشروح درباره عمل اتفاق افتاده شهادت دهد که این مسئله می تواند به منزله فشار (روحی) سنگینی برای او باشد. برای کسب آمادگی در این مورد، مراجعه به موقع به مراکز تخصصی مشاوره مهم است. زنان قربانی خشونت می توانند در تمامی روند محاکمه از پشتیبانی و حمایت یک همراه روانی-اجتماعی زن بهره مند شوند.

بعضی از قربانیان که حاضر نیستند به هیچ وجه شهادت بدهند، آگاهانه عمل خشونت آمیز مورد شکایت را انکار کرده و یا از اهمیت آن می کاهند. قربانیان، این کار را احيانا از روی ترس از خشونت های دیگر انجام داده و یا به این دلیل که هیچ راهی را برای خروج از رابطه با مجرم در پیش روی خود نمی بینند، بدین گونه عمل می کنند. زمانی که یک شخص تمایلی به شکایت کردن ندارد، حتما دلایلی برای این مسئله وجود دارد. حتی بدون تنظیم شکایتنامه کیفری نیز می توان در این زمینه و موارد دیگر از مراکز تخصصی مشاوره، کمک دریافت نمود.



حفاظت از قربانیان

اینکه یک زن قربانی در جریان محاکمه تصمیم به امتناع از شهادت بگیرد، تنها زمانی امکان پذیر است که حق امتناع از شهادت وجود داشته باشد؛ یعنی زمانی که امکان داشته باشد که شهادت مطابق با واقعیت آن زن، خود او و یا یکی از بستگانش را در معرض اتهام قرار دهد.

ادامه دادرسی

در صورتی که کار به تفهیم اتهام و محاکمه بکشد، این مسئله برای قربانی به منزله یک فشار روحی مضاعف می‌باشد. روند صحیح آمادگی به کمک مراکز تخصصی مشاوره، یک همراه روانی-اجتماعی محاکمه یا یک خانم وکیل می‌تواند از بسیاری از ترس‌ها و نگرانی‌ها بکاهد.

راه تنظیم شکایتنامه، اصلاً راه آسانی نیست. بنابراین بسیار مفید خواهد بود اگر شخص از پیش به کسب اطلاعاتی در مورد نحوه روند محاکمه، حقوق خود در محاکمه و همچنین اقدامات احتمالی حفاظت از قربانی و همراه در دادرسی بپردازد.

در هنگام تنظیم شکایتنامه، پلیس اغلب توضیحاتی را که به گفتگو با شخص خطرآفرین مرسوم می‌باشند، به مجرم تذکر می‌دهد: پلیس موکداً به متهم اخطار می‌دهد که از تماس با قربانی و ادامه رفتارهای خشونت‌آمیز خودداری کند. این مسئله در بسیاری از مجرمین موثر واقع می‌شود، به گونه‌ای که بدان عمل می‌کنند. با این همه، بسیار مهم است که قربانیان، در صورتی که مجرم سعی در برقراری تماس با ایشان و یا تأثیرگذاری بر آنان را داشت (حتی از طریق شخص سوم، برای نمونه بستگان یا دوستان مجرم)، مراتب را به پلیس اطلاع دهند. تنها پس از این است که پلیس می‌تواند وارد عمل شود!

تماس با پلیس

زنان پلیس در بسیاری از کلانتری‌ها به صورت اختصاصی برای کار با قربانیان خشونت‌تعلیم دیده‌اند. خانم وکیل و یا یک شخص معتمد دیگر می‌تواند فرد را در هنگام بازجویی همراهی کند. در صورتی که مشکل زبان پیش بیاید، می‌بایست از پلیس درخواست شود که یک مترجم حرفه‌ای را به خدمت بگیرد.

تماس با ادارات تحقیق و تفحص، مثل پلیس، آنان را موظف به اقدام می‌سازد.

شکایتنامه کیفری را نمی‌توان پس گرفت.

با هم بدون خشونت

هم اکنون در مراکز تخصصی مشاوره، برای تشویق حفاظت از خود در جهت زندگی بدون خشونت زنان اقداماتی انجام می گیرند. گفتگوها به شکلی منصفانه انجام می گیرند و هدف از آنها تقویت استقلال فردی و افزایش حس اعتماد به نفس قربانیان است. آنها درمی یابند که موقعیت ها و موانع ممکن است در کجای مسیر زندگی آینده بر سر راهشان قرارگیرند.

آنها همچنین این را تجربه می کنند که می توانند فعال شوند و اینکه چگونه فعال شوند و مجازند که از خود دفاع کنند. همچنین آنان در می یابند که یک زن قربانی خشونت، توان آن را دارد که خود را از خشونت رها سازد. که البته برای دستیابی به این مهم، لازم است که در کنار تقویت زنان (قبل از هرچیز حقوق و امکاناتشان و خود شکوفایی آنان) به تقویت مردانی پرداخت که می دانند که می توان حتی در سخت ترین شرایط، برخوردی عاری از خشونت از خود نشان داد.

تجربه کردن خشونت به معنی قربانی بودن در سراسر زندگی نیست - راه هایی برای رهایی از خشونت وجود دارد.

کمک هزینه های درمانی، بازنشستگی و مراقبت

اگر شخصی بتواند بقبولاند که سلامتی او به علت یک حمله عمدی خلاف قانون آسیب دیده است، بواسطه عواقب بهداشتی و مالی ناشی از این حمله، از حق دریافت کمک هزینه ها و خدمات دولتی برخوردار می شود. کسانی که اقامت قانونی آنان در آلمان به سه سال نرسیده است تنها مشمول کمک هزینه ها و خدمات مستقل از درآمد می شوند.

هزینه خدمات زیر می تواند بر اساس قانون جبران خسارت قربانی تامین شود:

- اقدامات درمان بیماری (همین طور روان درمانی)
- حقوق بازنشستگی (بسته به میزان شدت عواقب صدمه وارده و احیاناً درآمد شخص)
- کمک هزینه های مراقبتی، در صورت لزوم از طریق کمک های ویژه در موارد انفرادی (برای نمونه برای مشارکت در زندگی کاری، برای پرستاری، برای انجام کارهای خانه و همینطور برای مخارج زندگی)
- اقدامات توانبخشی (برای نمونه اقامت های درمانی)

واژه نامه

اختلالات استرسی پس از آسیب روحی	بیماری روحی، پس از تجربه رخداد‌های عمیقاً تاثیرگذار یا تهدیدکننده جان فرد (آسیب های روحی)
آسایش کودک	حالتی که در آن حال کودک خوب است.
به خطر افتادن آسایش کودک	وضعیتی که در آن حال کودک خوب نیست و آسایش وی به خطر افتاده است. برای نمونه، هنگامی که یک کودک در معرض خشونت خانوادگی باشد.
اعمال قدرت	تسلط داشتن / کنترل کردن / سوءاستفاده از یک شخص
اعمال مجرمانه	اعمال خلاف قوانین جاری
افسردگی	بیماری روحی، که شاخصه های آن کاهش کارایی، افت روحیه، بی رغبتی، بی علائگی و بی انگیزگی در اندازه های متفاوت می باشد.
اقدامات توانبخشی	بازگرداندن دوباره یک بیمار جسمی-روحی به جایگاه خود در جامعه
الزام به محدوده اقامت	محدودیتی برای پناهجویان / متقاضیان پناهندگی در آلمان مبنی بر الزام به حضور در یک ناحیه تعیین شده.
انزوا	تنهایی / طرد شدن یک شخص
انفعال	عدم مشارکت، بی فعالیتی، از دست دادن خواسته ها
بدنامی	فرآیندی که در آن به اشخاص یا گروه ها یک ارزش منفی با خصایص ویژه نسبت داده می شود و آنان بدین شکل تحت یک عنوان خاص دسته بندی می شوند.
اختلالات شخصیتی مرزی (بردرلاین)	اختلالات شخصیتی، که نشانه های آن بی ثباتی در روابط فرد با دیگران، در روحیه و نیز در تصور او از خودش است.
برقراری ارتباط	تبادل/انتقال اطلاعات
بهره کشی یا استثمار	رابطه غیرعادلانه یا غیرمنصفانه بین اشخاص یا گروه ها. به معنی سوء استفاده نابجا از گرفتاری یا موقعیت ضعیف یک قربانی

بیرون راندن	جابجایی اجباری جمعیت ساکن یا بخش هایی از آن به کشوری دیگر
پاکسازی قومی	حذف خشونت آمیز برخی از گروه های قومی (مذهبی) از یک منطقه / سرزمین
خرید و فروش زنان	ورود یک زن به یک کشور با قول های دروغین، اغفال یا حقه بازی، هنگامی که مجبور است که بدهی هایش یا مبلغ گرانی را به عنوان حق دلالتی به واسطه یا برای خدمات پرداخت کند، وقتی خشونت، فشار یا تهدید بر علیه او بکار برده می شود یا هنگامیکه او مجبور به کار در شرایط بهره کشی می گردد.
تحقیق	رفتار عمدی یک فرد به منظور اذیت و کوچک کردن شخصی دیگر
حقوق برابر / دارنده حقوق برابر	تضمین حقوق و امتیازات برابر. مساوات حقوقی و برخورد یکسان بدون در نظر گرفتن جنسیت، سن، اصل و نسب، دین و غیره
تسلط یا برتری	رابطه یک فرد با دیگری، که در آن یک شخص نقش رهبری را دارد و بر دیگری برتری دارد.
ترس از غریبه	ترس از اشخاص ناشناس، گروه های قومی، اشیاء و موقعیت ها
تمامیت	هماهنگی ارزش های (شخصی) با محیط پیرامون.
حفاظت از خود	دفاع از خود در برابر خطر
حقوق بازنشستگی	حق قانونی برخورداری از یک وجه مالی به دلیل موقعیت اجتماعی / سن
حقوق مراقبتی	کمک های دولتی برای نیازمندان در چارچوب اصل مراقبت. از جمله کمک هزینه اجاره خانه، کمک هزینه بیکاری یا کمک های اجتماعی و غیره.
خشونت روحی	یک شکل از خشونت است که در آن به اشخاص قربانی از طریق تهدید مستقیم روحی، اهانت یا رفتار ارباب کننده/ سلطه گرانه یک آسیب احساسی وارد می گردد.
خشونت مبتنی بر جنسیت	خشونت علیه انسان ها به خاطر جنسیت آنان
رابطه سرپرستی	رابطه ای که در آن یک شخص به شخص دیگری سپرده شده است و با این شخص در یک رابطه وابستگی قرار دارد (برای نمونه آموزگار- دانش آموز)

روحي-جسمي	بیماری های جسمانی که به کلی یا تا حدودی ناشی از علل روحی-روانی هستند.
روان درمانی	روش درمانی برای معالجه اختلالات روحی و یا عواقب روحی
روحی (روانی)	آنچه مربوط به روح و روان است
روسپیگری اجباری	تجارت انسان با هدف بهره کشی جنسی
ریسک (شرایط خطر)	شرایطی که احتمال ابتلا به بیماری را بالا می برند؛ برای مثال یک بیماری روحی به علت تجربه خشونت
ساختارهای پدرسالارانه (مردسالارانه)	شکلی از جامعه که در آن مردان اساساً دارای قدرت و حقوق بیشتری نسبت به زنان هستند.
سلب آزادی	نگاه داشتن کسی (حبس کردن، آدم ربایی و غیره) برخلاف میل او
سوء استفاده	سودجویی بسیار شدید از یک شخص. نزدیکی جنسی با کودکان/ نوجوانان و همچنین اشخاصی که توانایی دفاع از خود را ندارند (افراد نیازمند کمک، زندانیان و غیره).
شخص معتمد	یک نفر، که بسیار مورد اعتماد است.
شریک جنسی	کسی که روابط جنسی با او برقرار می باشد
شکایتنامه / شکایتنامه کیفری	گزارش یک عمل مجرمانه به پلیس یا دادستانی. امکان تنظیم شکایتنامه کیفری برای هر فردی وجود دارد.
مدارا	تسلیم پذیری و انعطاف پذیری یک شخص
آسیب روحی خوردن	تجربه یک رخداد که فرد توانایی هزم آنرا ندارد و از اینرو در درازمدت به بیماری روانی مبتلا می شود.
ناتوانی	ناتوانی یا درماندگی روحی در یک موقعیت
عوارض یا نشانه های متعاقب / آسیب های متعاقب	عواقب یا به عبارت دیگر آسیب های ناشی از شرایط. مثلاً، ناراحتی های روحی-روانی، که در پی تجربه های خشونت توسعه می یابند.
فراریان و پناهجویان	پناهجویان اشخاصی هستند که در محدوده فدرال (آلمان) در جستجوی حفاظت در برابر مواردی چون تعقیب سیاسی، اخراج از کشور یا انواع دیگری از بازپس فرستادن به یک کشور هستند که در آن مورد تعقیب بوده و یا صدمات جدی تهدیدشان می کند.

اتاق های حفاظت از زنان / مراکز زنان	مراکز و خوابگاه هایی که حفاظت و پشتیبانی را به صورت اختصاصی به زنان ارائه می دهند.
تحمل شدگان	با تحمل شدن، اخراج از کشور به حالت تعلیق درآمده و گواهی می شود. (اقامت قانونی محسوب نمی شود)
قانون جبران خسارت قربانی	قانونی برای ساماندهی جبران خسارات و تامین احتیاجات قربانیان اعمال خشونت آمیز و نیز بازماندگان آنان
قانون حفاظت در برابر خشونت	قانونی برای ساماندهی اقدامات حفاظتی مبتنی بر حقوق مدنی برای قربانیان خشونت
قوه قضائیه	کلیت همه اداراتی که مسئول اجرای قوانین هستند.
کشور میزبان	کشوری که افراد فراری یا مهاجرین زن را می پذیرد / جایی که افراد در آن ساکن می شوند.
کمک هزینه دادرسی	پشتیبانی مالی در نبود (یا کمبود) درآمد / دارایی برای انجام محاکمه دادگاهی
کمک هزینه ویژه دریافت مشاوره	خدمت اجتماعی دولتی، که حق برخورداری از مشاوره حقوقی و نمایندگی (وکالت) حقوقی را برای انسان هایی با درآمد کم یا بدون درآمد ممکن می سازد. این کمک هزینه، کمکی است برای بهره مندی فرد از حقوقش در مواردی غیر از جریان محاکمه.
دادرسی کیفری	تعقیب حقوقی یک عمل مجرمانه
مراکز تخصصی مشاوره	مراکز تخصصی مشاوره در زمینه های تخصصی گوناگون مهارت یافته اند و عموماً کارشان عرضه اطلاعات، مشاوره، همراهی، نشان دادن امکانات عمل و همچنین ارجاع به اشخاص ذیربط در زمینه تخصصی مربوطه است.
مرز شکنی ها	هر عملی، که به منظور ارضاء نیازهای شخصی و بدون مراعات خواسته یا توجه به ضعف های جسمانی، روانی، ادراکی و زبانی شخص دیگر انجام شود.
پشتیبان شاهد	همراه و پشتیبان حقوقی / کمکی برای شاهدان زن
رابطه وابستگی	رابطه ای، که در آن یک نفر به شخص دیگری وابسته است. (برای نمونه اقتصادی یا عاطفی)
ارعاب	اجبار یک فرد به انجام کاری

مراکز آموزشی	<p>مؤسساتی که براساس مقررات دولتی یا دولت محلی، مأموریتی آموزشی را بر عهده دارند. مدارس و کودکستان ها و البته مراکز چون کتابخانه ها، موزه ها یا اتحادیه های مشترک المنافع از جمله این نهادها به حساب می آیند.</p>
شیوه های واکنش	<p>روش های عکس العمل نشان دادن به وضعیت های گوناگون.</p>
وضعیت حقوقی	<p>قوانین موجود در مورد یک مسئله ویژه</p>
الزام به رازداری	<p>موظف کردن گروه های شغلی مختلف از لحاظ حقوقی به عدم ارائه اطلاعات به شخص سوم.</p>
وکیل زن	<p>نماینده و مشاور مستقل زن در تمام امور حقوقی. وکلای زن دارای به اصطلاح حق امتناع از پاسخگویی هستند و علاوه براین ملزم به رازداری می باشند. این امر باعث حفاظت از اعتماد در رابطه بین وکیل زن و موکل می گردد.</p>
اختلال هویتی هویت پریشی	<p>اختلالات بسیار عمیق در شخصیت به علت آسیب های روانی. در این اختلال، دو یا چند شخصیت مختلف درون یک شخص وجود دارند.</p>

نشانی‌های برگزیده

رایگان و ناشناس، مشاوره در ۱۵ زبان (ترکی، روسی، فرانسوی، اسپانیایی، پرتغالی، ایتالیایی، لهستانی، صربی، چینی، بلغاری، رومانیایی، عربی، فارسی و ویتنامی). خدمات اضطراری ۲۴ ساعته.

Hilfetelefon bei Gewalt gegen Frauen
تلفن امدادرسانی در موارد خشونت علیه زنان:
Tel.: 08000 116016 (24/7)
www.hilfetelefon.de

رایگان و ناشناس، مشاوره تلفنی در مورد خشونت جنسی فهرست فرامنطقه ای از مراکز امدادرسانی، همچنین برای افراد فراری

Hilfetelefon sexueller Missbrauch
تلفن امدادرسانی ویژه سوء استفاده جنسی:
Tel.: 0800 2255530
www.hilfeportal-missbrauch.de

بطور رایگان از موبایل و تلفن عادی. در سراسر آلمان، حمایت بوسیله مشاوره برای کودکان، نوجوانان و والدین در وضعیت های اضطراری و در صورت شک بردن به مورد تهدید قرار گرفتن رفاه کودک

Nummer gegen Kummer
Telefon-Beratung bei Sorge und Nöten
مشاوره تلفنی در مورد نگرانی‌ها و نیازها
تلفن ویژه کودکان و نوجوانان: 116111
ساعات کاری: دوشنبه - شنبه از ساعت ۱۴ - ۲۰
تلفن ویژه والدین: 0800 1110550
ساعات کاری: دوشنبه - جمعه از ساعت ۹ - ۱۱،
سه شنبه و پنجشنبه از ساعت ۱۷ - ۱۹

رایگان و ناشناس، مشاوره تلفنی، دخالت در شرایط اضطراری / بحرانی، میانجی‌گری، کمک حقوقی، پشتیبانی انسانی (مددکار)

Weisser Ring
زنگ وایسر
تلفن ویژه قربانیان: 116 006
www.weisser-ring.de

سازمانی که در سراسر آلمان برای زنان قربانی فعالیت می‌کنند. بانک اطلاعاتی از مراکز مشاوره منطقه ای، تلفن اضطراری زنان و خانه های زنان. قابل دسترس در سایت:
www.frauen-gegen-gewalt.de/organisationen.html
همچنین با در نظر گرفتن زبان و سایر ویژگی‌ها در کمک های ارائه شده.

Bff – Bundesverband Frauenberatungsstellen und
Frauennotrufe Frauen gegen Gewalt e.V.
اتحادیه فدرال مراکز مشاوره زنان و تلفن های اضطراری
زنان- باشگاه زنان علیه خشونت
Petersburger Straße 94 · 10247 Berlin
Tel.: 030 32299500
ساعات اداری: دوشنبه - پنجشنبه از ساعت ۱۰ - ۱۷،
جمعه از ساعت ۱۰ - ۱۴
E-Mail: info@bv-bff.de
Fax: 030 32299501
www.frauen-gegen-gewalt.de

سازمانی که در سراسر آلمان از زنان قربانی خشونت پشتیبانی می کند. بانک اطلاعاتی مراکز مشاوره منطقه ای:
<http://www.frauenhauskoordinierung.de/beratungsstellensuche.html>
بانک اطلاعاتی خانه های زنان منطقه ای:
<http://www.frauenhauskoordinierung.de/frauenhaussuche.html>
همچنین با در نظر گرفتن زبان و سایر ویژگی ها در کمک های ارائه شده.

Frauenhauskoordinierung e.V.
www.frauenhauskoordinierung.de
باشگاه ساماندهی خانه های زنان
Tucholskystraße 11 · 10117 Berlin
Tel.: 030 33843420
E-Mail: info@frauenhauskoordinierung.de
Fax: 030 338434219
www.frauenhauskoordinierung.de

بانک اطلاعاتی خانه های زنان در مناطق مختلف

Zentrale Informationsstelle
Autonomer Frauenhäuser
مرکز اطلاعاتی خانه های مستقل زنان
Markt 4 · 53111 Bonn
Tel.: 0228 68469504/ -05
ساعات کار: دو شنبه و جمعه از ساعت ۹ - ۱۳،
چهارشنبه از ساعت ۱۴ - ۱۷
Fax: 0228 68469506
E-Mail: zif-frauen@gmx.de
www.autonome-frauenhaeuser-zif.de/de/autonome-frauenhaeuser/adressliste

ارائه مشاوره به کودکان و خانواده های تحت تاثیر خشونت و بحران های شدید، عرضه کمک های مربوط به پیشگیری، امکان اسکان دادن موقتی کودکان.
بانک اطلاعاتی مراکز منطقه ای حفاظت از کودکان تحت:
www.kinderschutz-zentren.org/zentren-vor-ort

Bundesarbeitsgemeinschaft der
Kinderschutz-Zentren e.V.
اتحادیه سراسری فعالیت مراکز حفاظت از کودکان
Bonner Straße 145 · 50968 Köln
Tel.: 0221 569753
E-Mail: die@kinderschutz-zentren.org
Fax: 0221 5697550
www.kinderschutz-zentren.org

رایگان، ارائه کمک در شرایط اضطراری مربوط به سلامتی (خدمات امداد و نجات)، آتش (آتش نشانی)، خطر از سوی اشخاص (پلیس)

شماره تلفن های اضطراری
۱۱۲ (اورژانس/آتش نشانی)
۱۱۰ (پلیس)

به فهرست دفترچه تلفن منطقه مراجعه کنید ، می توان از مراکز مربوط به پناه جوانان، پزشکان، صندوق های بیمه درمانی و مراجع ذیربط دیگر پرسش نمود.

بیمارستان ها

اطلاعات در مورد تامین نیازهای بهداشتی در آلمان (مستقل از بیمه های خدمات درمانی)، مشاوره به زبان های عربی، ترکی، روسی و آلمانی امکان پذیر است.

Unabhängige Patientenberatung Deutschland

مشاوره مستقل بیماران آلمان
تلفن به عربی: 0800 33221225
سه شنبه: از ساعت ۱۱ – ۱۳
پنجشنبه: از ساعت ۱۷ – ۱۹
تلفن به آلمانی: 0800 0117722
دوشنبه: – جمعه از ساعت ۸ – ۲۲
شنبه: از ساعت ۸ – ۱۸
تلفن به روسی: 0800 011 77 24
دوشنبه – شنبه: از ساعت ۸ – ۱۸
تلفن به ترکی: 0800 0117723
دوشنبه – شنبه: از ساعت ۸ – ۱۸
مشاوره اینترنتی ویژه بیماران از طریق:
<https://online.patientenberatung.de/>

مشاوره در مورد حق و حقوق در صورت تبعیض. معرفی نیروهای تخصصی منطقه ای

Anti-Diskriminierungsstelle des Bundes

(اداره سراسری ضد- تبعیض)

Glinkastraße 24

10117 Berlin

تلفن مشاوره: 030 18 555 18 65

سرویس تلفنی برای پرسش های عمومی: 030 18 555 18 55

دوشنبه تا جمعه از ساعت ۹ الی ۱۲ و از ۱۳ تا ۱۵

E-Mail: beratung@ads.bund.de

www.antidiskriminierungsstelle.de

اتحادیه کل میان فرهنگی در برگیرنده مراکز فعالیت در زمینه مجرمین خشونت خانگی در آلمان، همچنین عرضه کننده حفاظت از قربانی و فعالیت های جلوگیری از خشونت.

Bundesarbeitsgemeinschaft Täterarbeit Häusliche

Gewalt (BAG TäHG) e. V.

اتحادیه سراسری فعالیت بر روی مجرمین خشونت خانگی

Hohenzollernring 106 · 13585 Berlin

تماس: Danelia Krüger

Tel.: 0162 1398443

E-Mail: danelia.krueger@bag-taeterarbeit.de

مجموعه نیروهای متخصص (فردی و مؤسسات) از تمام مناطق آلمان و کشورهای مجاور خارجی، که همه با هم برای خود این هدف را برگزیده اند که فعالانه در مسیر حفاظت بهتر از کودکان قدم بردارند. ارائه کننده فهرستی از مراکز مربوط به درمان، مشاوره و مراقبت از کودکان و نوجوانان مورد تجاوز جنسی قرار گرفته و نیز مؤسساتی که با مجرمان جنسی بزرگسال کار می کنند.

Deutsche Gesellschaft für Prävention und Intervention bei Kindesmisshandlung und -vernachlässigung e.V.
جمعیت آلمانی پیشگیری و مداخله در موارد بدرفتاری و اهمال ورزیدن نسبت به کودکان
Sternstraße 9 – 11 · 40479 Düsseldorf
Tel.: 0211 4976800
E-Mail: info@dgfpi.de
Fax: 0211 49768020
www.dgfpi.de

این موسسه، عموم مردم را درباره وضعیت حقوق بشر در داخل و خارج از کشور مطلع می کند و سهم بسزایی در جلوگیری از نقض حقوق بشر و نیز در حمایت و حفاظت از حقوق بشر ایفا می کند.

Deutsches Institut für Menschenrechte
انستیتوی آلمانی حقوق بشر
Zimmerstraße 26/27 · 10969 Berlin
Tel.: 030 259359-0
E-Mail: info@institut-fuer-menschenrechte.de
Fax: 030 259359-59
www.institut-fuer-menschenrechte.de

تلفن برای شرایط بحرانی بر ضد ازدواج اجباری. عرضه مشورت اینترنتی، یک وبلاگ و همچنین سامانه جستجوگر مراکز مشاوره در سراسر آلمان.

Jugendportal www.zwangsheirat.de
سامانه نوجوانان در زمینه ازدواج اجباری
Tel.: 030 40 50 46 99-0
Fax: 030 40 50 46 99-99
E-Mail: info@frauenrechte.de
www.zwangsheirat.de

این اتحادیه در سطح منطقه ای، کشوری و بین المللی فعال است و علیه تجارت و بهره کشی از انسان، همچنین برای احقاق حقوق قربانیان و تحقق بخشیدن به حقوق بشر در مورد مهاجرین زن فعالیت می کند.

KOK - Bundesweiter Koordinierungskreis gegen Menschenhandel e.V.
دایره هماهنگی سراسری بر علیه تجارت انسان
Kurfürstenstraße 33 · 10785 Berlin
Tel.: 030 263 911 76
Fax: 030 263 911 86
E-Mail: info@kok-buero.de
www.kok-gegen-menschenhandel.de

ارائه دهنده تمام اطلاعات مهم برای کمک های پزشکی پس از تجاوز از جمله حفظ آثار جرم به صورت محرمانه.

Notruf und Beratung für vergewaltigte Frauen und Mädchen e. V.

تلفن اضطراری و مشاوره برای زنان و دختران مورد تجاوز
قرار گرفته

Kasseler Straße 1a · 60486 Frankfurt am Main

Tel.: 069 709494

E-Mail: info@frauennotruf-frankfurt.de

Fax: 069 79302795

www.soforthilfe-nach-vergewaltigung.de

سازمان عام المنفعه حقوق بشر برای زنان، مشاوره حضوری، تلفنی و اینترنتی را عرضه می کند. مشاوره به زبان های آلمانی و ترکی.

TERRE DES FEMMES

Menschenrechte für die Frau e. V.

سرزمین زنان - باشگاه حقوق بشر برای زنان

Brunnenstraße 128

13355 Berlin

Tel.: 030 4050469930

ساعات اداری: دوشنبه از ساعت ۵۱ - ۸۱، سه شنبه و

پنجشنبه از ساعت ۱۰ - ۱۳

E-Mail: info@frauenrechte.de;

beratung@frauenrechte.de

Fax: 030 40504699-99

www.frauenrechte.de

حفاظت و ایمنی در برابر خشونت برای زنان و نوجوانان فراری در آلمان

این راهنما دربرگیرنده اطلاعاتی در زمینه «حفاظت و ایمنی در برابر خشونت» برای زنان فراری، مهاجران زن و نوجوانان در آلمان می باشد. ما می خواهیم شما را بوسیله این دفترچه راهنما درباره حقوقتان و امکانات حفاظت در آلمان مطلع سازیم. علاوه بر موارد دیگر، اطلاعاتی در مورد موضوعات زیر را در اختیار شما قرار می دهیم:

- خشونت، پیش از، در حال و پس از فرار
- دلایل، شکل ها و عواقب خشونت
- چه کسی خشونت را اعمال می کند؟
- راه های خروج از خشونت
- نشانی مراکز پشتیبانی برای قربانیان و بستگان آنها

این راهنما در چهارچوب پروژه سراسری "پیشگیری از خشونت - می می، «همراه با مهاجران زن برای مهاجران زن» تهیه شده است.

این راهنما را می توانید از طریق آدرس های اینترنتی زیر سفارش دهید:

www.mimi-bestellportal.de و www.mimi-gegen-gewalt.de



اعطای راهنما از جانب: